

سی سال از تجربه فاجعه آمیز کودتای ضد ملی، خائنانه وامپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گذشت

در صفحه ۸

تخطی از اصول قانون اساسی و آیین قضاوت

صدای جمهوری اسلامی "خبر دستگیری ۵۰ نفر دیگر از اعضای حزب توده" ایران را اعلان کرد. هفت ماه از آغاز یورش سیعانه به حزب توده ایران و اعضای آن می گذرد. در این فاصله هزاران نفر بی گناه روانه سیاه چال های رژیم شد ماند. مطبوعات خارجی شماره توده های در بند را بیش از ۸۰۰۰ تخمین می زنند. هیچ کس از سر نوشت آنان خبر ندارد. اخبار جسته و گریخته رسیده از درون "فراموشخانه ها"، حاکی از کشته شدن عد های از زندانیان زیر شکنجه های فاشیستی است. سران جمهوری اسلامی در این مورد مهر سکوت بر لب زد هاند. آیا سکوت آقایان بسه معنای تصدیق این واقعیت هولناک نیست؟

تجاوز به حقوق شهروندان تا کی می تواند ادامه یابد؟

از اظهارات بی پرده پارهای از "مسئولان قضائی" چنین بر می آید، که قانون شکنی های رایج در جمهوری اسلامی باین زود بها پایان نخواهد یافت. ۸۰ مهر ماه سال ۶۱ آقای محمد کیلانی در گفتگو با روزنامه "اطلاعات" بد و ن کوچکترین عذاب وجدان، در باره هزاران زندانی بی تکلیف گفت:
"حتی اگر زیر تعزیر (یعنی شکنجه) آنها جان هم بدهند، کسی ضامن نیست، که عین فتوای حضرت امام است."
بقیه در صفحه ۲

راه توده

شهره مازان مرتجع ایران در خراج از کشور

جمعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مطابق ۶
ذیحجه ۱۴۰۳ و ۱۹ اوت ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۵۵
پهنا: ۴۰ سانتی متر

چه کسانی باید به رئیس قوه مجریه جمهوری اسلامی اجازه بدهند؟

نخست وزیر ارائه فرمودند بر اساس قانون اساسی بوده و چنانچه اجازه داده شود که ایشان بر مبنای قانون اساسی به حل این مشکل بپردازند
.....
دقت می کنید؟ "..... چنانچه اجازه داده شود که ایشان بر مبنای قانون اساسی به
بقیه در صفحه ۶

حجت الاسلام سید محمود علوی، نمایندنده لارستان و مخیر کمیسیون داخلی و امور شورای مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی، که در روزنامه "اطلاعات" سی ام تیر ماه ۶۲ به چاپ رسید، در رابطه با احتکار و گرانفروشی چنین می گوید:
"..... در این رابطه مطالبی که برادران

ادامه غیر ضروری این جنگ برای میهن ما وسراسر منطقه بسیار خطرناک است

سی و یکم شهریور ماه ۱۳۵۹، رژیم کنونی عراق روی حسابهای غلطی که برای سیاست توسعه طلبانه خود شکر کرده بود (بویژه اینک که ایران پس از انقلاب با مشکلات فراوانی دست به گریبان بود و ارتش منسجم و منضبط نداشت) آلت دست کشورهای امپریالیستی شد و برای خفه کردن انقلاب شکوهمند بهمن به سرزمین ما تجاوز کرد.

مردم ایران برای دفاع از وطن و انقلاب یکدل و یکجان پیاخاستند و با تحمل خسارات جانی و مالی بی اندازه زیاد هدف اولیه دشمن را پسا شکست و سرور کردند.

پس از آزاد شدن خرمشهر، رژیم عراق بیروشنی بی پرد که جز فرار هر چه زودتر از مناطقی اشغالی راه دیگری در برابرش وجود ندارد، بنا بر این در بیق اظهار آمادگی برای صلح مید و بظواهر ارتش خود را به مرزهای بین المللی عقب کشید. ولی البته برخی نقاط مرزی با اهمیت از نظر استراتژیک را در دست خود نگاه داشت.

ولی بهر حال اعتراف دشمن به شکست و پس رفتنش به پشت مرزها میتواندست موقعیت مناسبی برای آغاز گفتگو بمنظور پایان دادن به این جنگ
بقیه در صفحه ۴

بخشهایی از یک مصاحبه با صلاح خلف (ابویان) یکی از رهبران برجسته سازمان آزادیبخش فلسطین

در صفحه ۵

شرکت روزافزون محافل مترقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده ای!

بیش از پیش عیان می سازد. حکومتی که محکمرین و گرانفرشان عده را با چند ضربه شلاق و مبلغی جریمه نقدی، " مجازات " میکند، طبیعتا بایستی مجازات های عده را در حق زحمتکشان و مدافعین منافع آنان علی سازد. جنایات این حکومت، چنان رسوائی بیار آورده که حتی راست ترین
بقیه در صفحه ۳

جنبش همبستگی با حزب توده ایران و زندانیان توده ای، روز بروز گسترش یافته و طیف وسیعتری از نیروهای آزاد یخواه را در بر می گیرد. شعارهای " دستها از حزب توده " ایران کوتاه باد! " و " آزادی برای زندانیان توده ای! " در سراسر جهان، حقانیت راه و روش حزب ما و رو سیاهی مأمورین شکنجه و آزار جمهوری اسلامی را در میان افکار عمومی

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

تخطی از اصول قانون اساسی و آیین قضاوت

ندارند، چرا این اصل را در مورد اعضای حزب توده ایران، و نه فقط آنان، مراعات نکردند؟ به چه علت در نخستین خبر منتشره دایر بردستگیری اعضای حزب توده ایران، آنان را به "جاسوسی" متهم ساختند؟ کدام دادگاه صالح این اتهام سخیف را ثابت کرده بود؟ کردار دستگاههای سرکوبگر نشانگر آنستکه در جمهوری اسلامی اصل جرم استو همه دگراندیشان مجرماند، مگر عکس آن ثابت گردد! حداقل تصویری که در نتیجه عملکرد مسئولین قضائی در خارج و داخل کشور درباره جمهوری اسلامی بوجود آمده، چنین است. جز اینهم نمی باید انتظار داشت.

اصل ۳۹ قانون اساسی، "هتک حرمت و حیثیت کسی که بحکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات" می داند. ۱۸ بهمن ماه ۶۱ روزنامه "آزادگان" نوشت:

"در چند روز گذشته تعداد زیادی از افراد یکه بفتح بیگانه جاسوسی می کردند، دستگیر شدند..."

همه رسانه های گروهی، به تقلید از رژیم گذشته، مشابه چنین متنی را بخشنامه وار منتشر ساختند. آیا انتشار این خبر، اتهام بدون اثبات موضوع اتهام در دادگاه صالح و حتی بدون آغاز بازپرسی، هتک حرمت و حیثیت دستگیر شدگان نبود و متخلفین نباید بدست قانسون سپرده شوند؟

اصل ۳۸ قانون اساسی "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع" را ممنوع می کند. همه مطبوعات جهان در یک امر متفق اند، و آن اینکه "اعترافات" اعضای حزب توده ایران نتیجه سبانه ترین شکنجه ها و کتیف ترین شیوه های پلیسی است. شکنجه در جریان بازپرسی با ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر نیز در تضاد است و به همین سبب موجب غلیان خشم و نفرت انسانها در سراسر جهان شده است. اصل ۳ قانون اساسی، "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم را در برابر قانون" تصریح می کند. ولی این اصل هم، در برخورد با زندانیان توده های بدست فراموشی سپرده شد. در چنین صورتی، چگونه می توان از امنیت قضائی و تساوی عموم در برابر قانون، در جمهوری اسلامی سخن به میان آورد؟

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

سران رژیم می کوشند، تا ظاهری آراسته و پیراسته از جمهوری اسلامی به جهانیان عرضه دارند و ایران را "مهد آزادی" جلوه گسر بقیه در صفحه ۱۵

نشده و "تخلف از مقررات، چه در بخش قضائی و چه در بخش اقتصادی و چه در بخش های دیگر" رایج است. و از قول آقای موسوی اردبیلی نقل می کند:

"در جامعه ترسی که هست (باید) ترس از عدالت باشد نه از بیعدالتی". صرف نظر از نیت گویندگان و نویسندگان این حقایق، مضمون آنها تأیید رواج بیسابقه خودکامگی، قانون شکنی و تشدید ترور و اختناق در جامعه است. آنانیکه در جریان اوج انقلاب وعده می دادند، "با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و دیکتاتوری" برقرار خواهد شد و می گفتند، "رژیم اسلامی با استبداد جمع نمی شود" و یا مدعی بودند، "دولت اسلامی، یک دولت دیموکراتیک به معنای واقعی است"، اظهارات صریح نماینده مجلس، مسئول عالیترین ارگان قضائی و نوشته ارگان نیمه رسمی دولت، را دایر بوجود دیکتاتوری و "اختناق نامرئی" چگونه تعبیر می کنند؟

سرکوب حزب توده ایران - تقضی پروای قانون اساسی

روند دستگیری بخشی از رهبری و اعضای حزب توده ایران، نمونه بارز عدم رعایت قوانین و تجاوز بی پروا و علنی به اصول قانون اساسی و مقررات قضائی است. در اصل ۳۲ قانون اساسی گفته می شود: "هیچکس را نمی توان دستگیر کرد، مگر بحکم و ترتیبی، که قانون معین می کند". در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود. آیا این موازین در رفتار با زندانیان توده های مراعات گردیده است؟ ۱۸ بهمن ماه ۱۱ روزنامه ها دستگیری عده ای از اعضای حزب توده ایران را خبر دادند. کی، در چه روزی و چگونه؟ بعد ها روشن شد، که سرکوبگران رژیم با یورش شبانه به خانه ها و ایجاد رعب و ترس و همراه با ضرب و شتم بازداشت شدگان افراد بی گناه را از خانه و کاشانه روانه سیاه چالها کرده اند. نه تنها بعد از ۲۴ ساعت، بل پس از ۷ ماه هم پرونده مقدماتی آماده نشده و مقدمات محاکمه نیز فراهم نگردیده است. در اصل ۲۸ قانون اساسی تصریح میشود: "اصل براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالحه ثابت گردد".

اگر سران جمهوری اسلامی، که مدام در کرنای "حکومت قانون" می دمنده، واقعا هم از قانون اساسی تبعیت می کنند و ریگی در کفش

بقیه از صفحه ۱ بعقیده وی برای مردم بهتر آنستکه "۵ هزار یلا تکلیف، غیر از آنها که متهم هستند، داخل زندان" باشند.

این اظهار نظر آقای محمد گیلانی بی اختیار جلادان بنام شاه را بخاطر می آورد. ۳۰ نوامبر ۱۹۶۵ روزنامه فرانسوی "لوموند" اظهارات فرسیو، دادستان نظامی در رژیم مخلصوع، را منتشر ساخت. او گفته بود:

"اگر مقصرین را محکوم نکنیم، دیگر نمی توانیم نظام موجود را حفظ کنیم. مردم ایران نگرانند و مقصرین باید مجازات شوند، تا در آینده سایر گمراه شدگان در صد داز بین بردن پایه های اجتماع بر نیایند".

همسانی طرز اندیشه و استدلال این دو تصادفی نیست. هر رژیم خودکام سرکوبگر خود را می آفریند. این درس تاریخ قابل تأمل و تعمق است. جلادان شاه بنام مردم و برای جلوگیری از "ضرر احتمالی برای مردم" میهن دوستان را محکوم کردند و به جوخه های اعدام سپردند، ولی نتوانستند نظام خود را از گزند مردمی، که بناش از توسل به هیچ جنایتی فرو گذار نکردند، حفظ کنند.

دیکتاتوری "ضد انقلاب"

معیار قضاوت درباره ماهیت هر دولتی کردار است، نه گفتار. مردم ما نیز از این دیدگاه عملکرد دولت را در زمینه تأمین آزادی های دیموکراتیک و مراعات حقوق زحمتکشان ارزیابی می کنند. روزی نیست، که خبر دستگیری، زجر و شکنجه و یا، بقول آقای گیلانی، "تعزیر" تا سرحد مرگ و بالاخره قتل دگراندیشان منتشر نشود. قانون شکنی، خود سری و خودکامگی، رعب و ترس بیسابقه ای را در جامعه موجب گردیده است. احدی به فردای خود امیدوار نیست. هیچکس تأمین جانی و قضائی ندارد. انگار کشور فاقد قانون اساسی است و قوای مجریه و قضائی مسئولیت اجرای اصول قانون اساسی را بعهده ندارند! خود سری و قانون شکنی به سطحی ارتقا یافته، که آقای شجویی در جلسه ۲۸ دیماه ۶۱ مجلس شورای اسلامی می گوید:

"ارگانهای وجود دارد که به تنهایی هم قوه قضائیه اند، هم قوه مقننه. باور کنید این دیکتاتوری ضد انقلاب است... مردم هنوز در یک ترس مخفی بسر می برند، یعنی از شکایت کردن هراس دارند، چون تجربه اش را در گذشته دید هاند... بیایید برای خدا، این اختناق نامرئی را از بین ببریم".

و او تنها نیست. روزنامه اطلاعات در سرمقاله ۱۱ دیماه ۶۱ اعتراف می کند و می نویسد، که قانون بر همه جا و همه کس حاکم نیست، "امنیت اجتماعی و قضائی مردم" تأمین

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۱
محافل غربی نیز، که در بسط پیوند های اقتصادی با آن، از یکدیگر پیشی می گیرند، جرات تأیید علنی این اعمال بیرمشتانرا ندارند. این آتش خاموش شدنی نیست و هر چه بیشتر در آن بدمند، شعله و رتر خواهد شد و روزی محکم ترین زندانها را نیز به تلبسی از خاکستر میدل خواهد ساخت. بکوشیم تا با زنده نگه داشتن و گسترش همبستگی بین المللی، جان فداکارترین فرزندان میهنمان را از خطر برهانیم!

سوسیال دمکراتهای آلمان فدرال، آزادی مبارزین توده‌ای و رعایت موازین حقوق بشر در ایران را خواستار گردیدند

به دعوت "کمیته" همبستگی با زندانیان توده‌ای "در شهر الدنورگ، متشکل از سازمانهای و شخصیتهای مرفقی، دبیرخانه" ناحیه‌ای حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال در این شهر نیز پشتیبانی خود را از همدان "کمیته" اعلام نموده است. مسئولین بخش حزب در الدنورگ در همین رابطه، طی نامه‌ای به فراکسیون پارلمانی حزب خود، ضمن توضیح دلایلی اعلام پشتیبانی خود از اقدامات "کمیته" از نمایندگان عضو فراکسیون، خواستار گردیده‌اند مسأله دمکراتهای ایران را که تحت پیگرد سیاسی در این کشور قرار گرفته‌اند، در پارلمان آلمان مطرح نمایند. ضمناً در بیانیه‌ای که بخشش الدنورگ حزب سوسیال دمکرات، صادر نموده است، پس از پرداختن به مسأله سکوتی که از مدتی پیش پیرامون مسأله انقلاب ایران در رسانه‌های خبری غرب حکمفرما گردیده و بر شماردن دلائل آن، که همانا برقراری مجدد روابسط اقتصادی دول غرب و نیز با ایالات متحده آمریکا - از طریق واسطه‌ها - با دولت جمهوری اسلامی ایران است، از جمله آمده است:

"دستاوردهای انقلاب ایران، قربانیان اهداف راستگرایان حاکم گردیده و قوانین اجتماعی شاه، از جمله قانون کار، با همان مضمون ولی در قالبی دیگر، مناسبات کهنه را زنده نگه میدارد. نقض قوانین حقوق بشر و پایمال کردن ابتدائی ترین خواسته‌های دمکراتیک مردم با وج خود رسیده است. حزب توده، ایران غیرقانونی اعلام شده و هزاران تن از اعضای این حزب و بسیاری از فعالین سندیکاها در کشور بازداشت گردیده و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند که جان بسیاری از آنها در خطر است. سوسیال دمکراتها، ضمن اعلام حمایت خود از زندانیان و آثانی که شکنجه و اعدام، تهدید پیش

می‌کند، قطع فوری تضيیقات و آزادی بلاد رنگ آنان را خواستاریم."

سازمانهای مرفقی و دمکراتهای هندوستان به تلاش خویش جهت رهایی مبارزین توده‌ای از شکنجه‌گاهها می‌افزایند

"فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان"، "فدراسیون دانشجویان هندوستان"، و "کنگره ملی آفریقا" در شهر ایندور، ضمن صدور بیانیه "مشترکی به دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده، ایران و سازمان جوانان توده، ایران"، رفقها



نورالدین کیانوری و کیومرث زرشناس و دیگر رهبران و اعضای "حزب" و "سازمان" را شدیداً محکوم نموده، پس از اشاره به سابقه مبارزاتی "حزب توده، ایران" و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع برای نابودی آن، اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت ملاقات با زندانیان و آزادی بی‌قید و شرط آنان را خواستار گردیده‌اند.

"کمیته شهر در آدون برای دفاع از حزب توده، ایران"، طی نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ تأثر خود را از، شهادت رفقا حسن حسین پور تبریزی و گایگ آوانسیان، بدنبال شکنجه‌های وحشیانه، ابراز داشته و به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، هشداز داده است دست از اعمال فشار بر علیه مبارزین توده‌ای بردارند.

مسئول سازمان حزب کمونیست هندوستان در این شهر نیز، طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰، شکنجه‌های ددمشانه‌ای را که بر اثر اعمال آن رفیق گایگ آوانسیان به شهادت رسیده، شدیداً محکوم نموده است.

انجمن شعرای تأمل در هندوستان، طی ارسال نامه‌ای به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز تأسف و نگرانی شدید خود از بازداشت اندیشمندان، نویسندگان و شعرائی نظیر رفیق احسان طبری و اعمال روشهنای وحشیانه در مورد آنان، بجای ارج نهادن به مقامی کهنه او در زمینه هنر و ادبیات ایران دارا می‌باشد، آزادی بلاد رنگ او را خواستار گردیده است.

نمایندگان کنگره سراسری اتحادیه‌های هندوستان در ایالت پنجاب در جلسه‌ای به تاریخ یازدهم ژوئیه (بیستم تیرماه)، قطعنامه‌ای با تفاق آرا، بتوصیب رسانیدنکه در آن، رفتار وحشیانه با مبارزین توده‌ای و سایر دمکراتها در ایران، بشدت محکوم گردیده است.

برگزاری تظاهرات همبستگی با حزب توده ایران در هندوستان

در تاریخ سیزدهم ژوئیه (بیست و دوم تیرماه)، همزمان با برگزاری تظاهرات همبستگی با حزب توده، ایران در دهلی نو، تظاهراتی نیز در شهر بوجبی، واقع در ایالت پنجاب، به دعوت سازمان حزب کمونیست و با شرکت کمونیستها و سایر نیروهای دمکراتیک این شهر انجام گرفت.

تظاهرات کنندگان با حمل پلاکارتها و شعار هائمی مبنی بر محکوم کردن شکنجه‌های ددمشانه و آزادی رفقای زندانی، پشتیبانی خود را از آنان اعلام کردند. شرح مبسوط تظاهرات در روزنامه‌های محلی این ایالات، بچاپ رسیده است.

روزنامه ارگان حزب کمونیست هندوستان در این استان نیز، بدرج خبر مربوط به تظاهرات فوق و نیز بیانیه "کمیته" برون مرزی حزب توده، ایران، در رابطه با شکنجه رهبران حزب، مبادرت ورزیده است.

اعتراض به سفارت ترکیه در دهلی نو نسبت به بازداشت دانشجویان مرفقی ایران بدست دولت ترکیه

فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان در ایالت هیماچال پرادش، سردبیر نشریه هفتگی شیل، یکی از نشریات مرفقی این ایالت و نیز سردبیر روزنامه هیماچال جانتا، طی نامه‌ای به سفارت ترکیه در دهلی نو، نسبت به دستگیری دانشجویان مرفقی ایرانی در ترکیه و قصد تحویل آنان به دولت ج ۱۰۱۰ شدیداً اعتراض نموده و از دولت ترکیه خواسته‌اند که آنان را فوراً آزاد سازد.

ادامه غیر ضروری این جنگ برای میهن ما و سراسر منطقه بسیار خطرناک است

بقیه از صفحه ۱

برادر کشی باشد، که سود آن از یک سو عاید امپریالیسم و صهیونیسم و از سوی دیگر عاید ارتجاع داخلی و غارتگران خلق میشود. عراق از ضعف نظامی خود ریاکارانه بهره برداری کرد و خود را در صحنه "بین المللی" خواهان صلح جلوه گر ساخت. بخششی از حاکمیت جمهوری اسلامی، که نیروهای خودی و دشمن و امکانات و شرایط بین المللی را به درستی ارزیابی نکرده بود و چنین می پنداشت، که ارتش عراق در حال از هم پاشیدن است، تصمیم گرفت به جنگ ادامه دهد تا بخیال خود "انقلاب اسلامی" را به عراق صادر نماید. بخش راستگرای حاکمیت جمهوری اسلامی با سوء استفاده از این جنگ و با به کار بردن آن به عنوان حلقه نجات خود، به تحکیم پایه های متزلزل شده سرمایه داری بویژه سرمایه تجاری پرداخت و در جریان مبارزه با هر نوع اصلاحات بنیادی مواضع کلیدی را در حاکمیت به چنگ آورد و تناسب قوا را در حاکمیت به نفع خود تغییر داد. مجموع این سیاست در درجه اول به انفراد موضع جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله جنگ در صحنه "بین المللی" و بویژه در میان کشورهای غیر متعهد و کشورهای منطقه انجامید. زیرا مردم همه کشورهای و تمام دولت ها و نیروهای ضد امپریالیست ادامه این جنگ را به سود مقاصد شوم امپریالیسم بین المللی میدانستند و با بی صبری منتظر پایان آن بودند. کوشش های ارتش ایران برای نفوذ به خاک عراق با موفقیت چندانی همراه نشد، و حتی منجر به

تحکیم ناسیونالیسم در این کشور گردید و موقعیت متزلزل صدام حسین را مستحکم کرد. به این ترتیب، پیکار بصورت یک جنگ فرسایشی مرزی درآمد، که جز به تحلیل بردن امکانات طرفین و تسهیل تحقق نقشه های امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه به چیز دیگری کمک نمی کند. واقعیات تلخ مربوط به تجاوز اسرائیل به لبنان بهترین شاهد برای زیانبار بودن این جنگ است.

چرا چنین وضعی بوجود آمده است؟

حکومت بغداد هنوز هم در مجامع بین المللی برای پایان دادن به جنگ اظهار آمادگی می کند، ولی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دو پرخورده که یکی از آنها خائنانسه و مغرضانه و دیگری غلط و غیرمسئولانه است، نمی گذارد، که حتی صحبتی از صلح بمیان آید. نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران در حاکمیت خیلی زود پی بردند که تنها از طریق طولانی تر کردن جنگ میتوانند جلوی تبدیل انقلاب سیاسی را به یک انقلاب اقتصادی - اجتماعی بگیرند. بخش دیگر حاکمیت هم، که نماینده قشرهای متوسط و خرد بهره داری است و به تمام رویداد های اجتماعی و سیاسی در کشور برخورد زنی و غیر علمی میکند، مانند گروه اول خواهان ادامه جنگ تا "پیروزی کامل" است. آنها می خواهند از این طریق عدم موفقیت خود را در تحقق اهداف انقلاب و در رأس آن تحقق عدالت اجتماعی "جبران" سازند. در این میان امپریالیسم آمریکا هم، که

نتوانسته بود با "پیروزی برق آسای عراق" در روزهای اول جنگ انقلاب ایران را نابود کند، تصمیم گرفت یا فرسایشی کردن آن به هدف اولیه خود برسد.

اگر در مورد وابستگی به سرمایه داران و ملاکان، با وجود پنهان شدن نشان زیر پوشش مذحبی، با نگاه اول هم میتوان انگیزه های پلید طبقاتی را مشاهده کرد، در باره این "صا در" کنندگان انقلاب "و برای بی بردن به کج - اندیشی های ویژه خرد بهره داری در ایران باید با دقت بیشتر نگریست. ولی در هر حال نتیجه یکست. این دو گروه مانع از دستیابی به یک صلح عادلانه و بسود هر دو ملت برادر ایران و عراق شده اند و جنگ خانمانسوزی معنی میان دو کشور همچنان ادامه دارد. هدف عاقلانه و عادلانه ما در این جنگ میتواند و باید آزادی تمامی سرزمین های اشغال شده، گرفتن غرامت از متجاوز و محترم شمردن قرار داد الجزایر در سال ۱۹۷۵ باشد. عراق پس از شکست در جبهه های جنگ دیگر در وضعی نبود و نیست که بتواند این خواست روشن و عادلانه و دنیا پسند را نهد بر د.

اگر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواسته های غیر معقول مبنی بر دخالت در امور داخلی خلیج برادر عراق و کوشش برای تحمیل یک حکومت دست نشاند به آنرا کنار می گذاشت، مدت ها بود که دو خلق برادر و همسایه از شر این جنگ غیر لازم برای دو کشور و مفید برای امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی خلاص شده بودند. اما افسوس که حاکمیت جمهوری اسلامی موقعیت های طلایی را نادیده گرفت و هنوز هم میکوشد روی حسابهای غلط و موهوم جنگ را طولانی تر کند.

وقت آن رسیده است که مسلمانان انقلابی طرفدار توده های زحمتکش خلق و آزادی و استقلال کشور، مسئولیت جدی خود را درک کنند و حساب خود را از حساب بخش راستگرای وابسته به سرمایه داران و ملاکان بزرگ در حاکمیت جمهوری اسلامی و قشرهای در میان ناپذیر و از حسابهای غلط و موهوم جدا سازند. ادامه غیر ضروری این جنگ تنها بهانه ایست برای به تعویق انداختن حل مسائل بنیادی جامعه، ناراضی تراشی و در حساب آخر سرکوب کامل انقلاب بسود نظام غارتگر سرمایه داری و ارتجاع و همه اینها به بهای زبانهای مالی و جانی روز افزون و از دست رفتن نیروهای جوان، که میتوانند سازندگان جامعه ای مستقل و آزاد بر پایه عدالت اجتماعی باشند، تمام میشود. وقت آن رسیده است، که مسئولان در مقابل انقلاب و تاریخ میهن ما، مسئولیت جدی خود را درک کنند و به جنگ پایان دهند.

درباره "کمکهای" امپریالیسم آمریکا به اندونزی

هنگامی را متحمل میشوند. مثلا گمرک کالا های کشورهای جهان سوم برای ورود به آمریکا حدود ۱۷/۵ درصد است در صورتیکه حد متوسط گمرک کالای وارداتی به آمریکا ۴/۳ درصد بیشتر نیست. زیانهای صادر کنندگان اکنون باز هم افزایش یافته است زیرا کمپانیهای کشتیرانی آمریکا خود سرانه تصمیم گرفته اند تعرفه حمل کالا از آسیای جنوب شرقی به آمریکا را ۱۵ تا ۲۰ درصد بالا ببرند. روزنامه مزور می نویسد:

"اگر بطور منطقی داوری شود، مساعی اندونزی ها هستیم که باید ادعای میلیارد ها دلار از آمریکا بکنیم تا جبران خسارت میلیونها هموطن ما بشود که در دوران "کوکاکولا" که از سال ۱۹۶۷ شروع و درهای کشور ما بسوی سرمایه خارجی گشوده شد، تمام هستی خود را از دست داد ماند.

اخیرا سفیر آمریکا در اندونزی طی نطقی در جاوه غربی مدعی شد که دولت آمریکا تا به حال ۳/۲۶ میلیارد دلار به اندونزی "کمک" کرده است. روزنامه "ایندونزین ایسترن" تفسیری پیرامون این "کمکها" منتشر کرده می نویسد: "بشت این ارقام که بعنوان "کمک" اعلام می شود میتوان صد ها میلیون دلاری را دید که بصورت سود کمپانیهای آمریکایی روانه آنسوی اقیانوس میشود. کمپانیهای آمریکایی که تسهیلات زیادی از دولت برای بهره برداری از منابع کشور بدست آوردند و مانند دولتی در داخل دولت عمل می کنند، بدون هیچ کنترل پیوسته میلیونها دلار سود های تازه را از کشور خارج می کنند. صادر کنندگان اندونزیایی، به نسبت محدودیت های تازه وارداتی آمریکا خسارات

بخشهایی از یک مصاحبه با صلاح خلف (ابوایاد) یکی از رهبران برجسته سازمان آزادیبخش فلسطین

پرسش: بعدی درباره ارزیابی کمکهای کشور های سوسیالیستی به مبارزه رهائی بخش فلسطین بود. ابوایاد گفت:

"پس از اینکه به روشنی آشکار شد که سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه نسبت به ما دشمنانه است و آمریکا در اردوی دشمنان ما جای دارد، طبیعی بود که ما در سنگر دیگر جای گزینیم: همراه دوستان و جامعه کشور های سوسیالیستی که پیشاپیش آنها اتحاد شوروی قرار دارد و دوست خلق ما و همه خلق های عرب است. میتوان گفت که پشتیبانی کشور

فلسطینی و لبنانی در آن محسوس شده اند، علی-رغم روشهای فاشیستی و تضحیاتی که علیه آنان اعمال میشود، زندانیان پیوسته بیشتر و بیشتر مقابل اشغالگران مقاومت می کنند. با وجود تسرؤ، تقبیق و محرومیت، زندگی فلسطینی هسا در جنوب لبنان چهره دیگری هم دارد: قهرمانی، مبارزه و همبستگی با خلق لبنان".

در مورد همکاری با نیروهای دموکراتیک در داخل اسرائیل ابوایاد چنین توضیح داد:

"پیش از تجاوز اسرائیل به لبنان، شورای ملی فلسطین تصمیم گرفته بود با همه نیرو

در پاسخ به این پرسش که اینک مهمترین مسأله که در برابر انقلاب فلسطین قرار گرفته کدامست، ابوایاد گفت:

" اکنون مهمترین مسئله وحدت فلسطینیها و وحدت میان سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین است. زیرا امپریالیسم و صهیونیسم می-کوشند بر ما ضربه وارد کنند. سازمان آزادی بخش فلسطین را به مخاطره بیندازند و مواضع آنرا متزلزل نمایند. وحدت سازمان آزادی بخش فلسطین بدین معناست که ما فلسطینی ها، در مناطق اشغال شده و در دیگر کشورهای عربی همانند یک قلب و یک دست علیه امپریالیسم و صهیونیسم عمل کنیم و با همه نیروهای مترقی عربی هماهنگ فعالیت نمائیم تا بتوانیم با نقشه های آمریکا در منطقه که تمام جنبش های رهائی بخش خلقهای عرب را در معرض خطر قرار داده است مقابله کنیم. بر این اساس ما اعتقاد داریم، که باید وحدت سازمان آزادی بخش فلسطین و یگانگی با نیروهای میهن پرست لبنانی و سوریه را حفظ کنیم تا بتوانیم مسائل داخلی سازمان خود را فیصله دهیم".

درباره جبهه نجات ملی لبنان که اخیرا تشکیل شده است ابوایاد چنین گفت:

" ما از این جبهه بطور کامل پشتیبانی می کنیم و آنرا بشناخته بهترین پدیده در زمان های اخیر ارزیابی مینمائیم. این یک گام عملی علیه موافقت نامه لبنان - اسرائیل - آمریکا است. شعار ما و نیروهای میهن پرست لبنان چنین است: " با هم - با خون و سلاح ". یعنی از این جبهه نه در حرف بلکه در عمل پشتیبانی میکنیم. افزون بر این ما دعوت می کنیم که یک جبهه وسیع میان سوریه، سازمان آزادی بخش فلسطین و جبهه نجات ملی لبنان تشکیل شود. اگر چنین چیزی تحقق یابد، نه تنها بهترین پاسخ در برابر قرارداد لبنان - اسرائیل - آمریکا بلکه همچنین در مقابل همه نقشه های آمریکا در منطقه خواهد بود.

پیرامون وضع فلسطینی ها در جنوب لبنان پاسخ ابوایاد این بود:

" شاید بتوان گفت که فلسطینی ها در جنوب لبنان در دشوارترین وضعی که میتواند برای یک انسان بوجود بیاید قرار دارند. آنان زیر تهدید و ضربات دائمی سربازان اشغالگر اسرائیلی هستند و متأسفانه همچنین زیر ضربات جدائی طلبان لبنانی و ارتجاع لبنان. تا جاییکه از آنچه که در صبر و شکیلا روی داد اطلاع دارند ولی باید گفت که در جنوب لبنان هر روز حوادثی نظیر آن رخ میدهد. با این وجود در آنجا فلسطینی ها از سازمان آزادی بخش فلسطین پشتیبانی می کنند و به آن اعتماد دارند. در اردوگاه " انصار " که هزاران میهن پرست



تخاهرات صدها هزار نفر در تل آویو علیه سیاستهای تجاوزکارانه رژیم صهیونیست اسرائیل

های سوسیالیستی از ما در سه جهت اصلی انجام میگردد: نخست و از همه مهمترین پشتیبانی سیاسی خلق ما و امر عادلانه که برای دسترسی به آن پیکار می کند. دوم آن کمکهای که امکان ادامه مبارزات سلححانه ما را تضمین می کند و سوم کمک های انسانی، علمی و معنوی از طریق آموزش دادن به دانشجویان فلسطینی که در جمیع رشته های علمی و فنی و اجتماعی در کشورهای سوسیالیستی تحصیل می کنند.

آخرین پرسش این بود که وی آینده آرمان فلسطین را چگونه می بیند، ابوایاد چنین پاسخ داد:

" با وجود مشکلاتی که در برابر آرمان فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین وجود دارد، علیرغم اینکه دشمنان ما - امپریالیست ها و صهیونیست ها، مواضع زیادی بر سر راه ما ایجاد می کنند و علیرغم همه توطئه ها، ما خوشبین هستیم و باور داریم که انقلاب ما پیروز بقیه در صفحه ۱۳

های تفرقی در اسرائیل گفتگو هائیرا آغاز کند. ما دست یکنار زدیم. اهمیت این گفتگو ها بهنگام تجاوز اسرائیل به لبنان به بهترین صورت نمایان شد. نیروهای دموکراتیک و مترقی اسرائیل نقش اساسی را در سازمان دادن راه پیمائیهای اعتراضی علیه تجاوز و محکوم کردن آن ایفا کردند. مهمترین سازمانی که ما با آن ارتباط رسمی برقرار کرده ایم حزب کمونیست اسرائیل است. ما آماده گفتگو با هر سازمان دموکراتیک دیگر ضد اسرائیل هستیم، باین شرط که حقوق خلق ما را مبنی بر تشکیل دولت مستقل فلسطین به رسمیت بشناسند و سازمان آزادی بخش فلسطین را بخوان تنها نماینده این خلق قیبل کند. من اینرا خط اساسی در سیاست سازمان آزادی بخش فلسطین به حساب می آورم. ولی برخی از شخصیت های تنگ نظر با آن مخالفت می کنند. یکی از علل شورش در " الفتح " اینست که بعضی از رفقا موافق این گفتگو ها نیستند، گرچه تجاوز اسرائیل به لبنان اهمیت آنها را ثابت کرد".

چه کسانی باید به رئیس قوه مجریه جمهوری اسلامی اجازه بدهند؟

بقیه از صفحه ۱

حل این مشکل بپردازند...! این سخنان قبل از هر چیز بیانگر دامنه عقب نشینی و تسلیم تحقیر آمیز کسانی است، که روزی خود را نیروی ضد سرمایه داری می انگاشتند و از بیرون کشیدن حقوق مستضعفان از حلقوم سرمایه داران سخن می گفتند! ولی امروز حتی بعنوان رئیس قوه - بر سر برد - را احتکار و گرانفروشی، که در چنین مقیاسی حتی در چارچوب مناسبات ظالمانه سرمایه داری نیز پدیده های ناپسند و غیر قابل تحمل است، اولاً مجبورند سخنانی را به تعلق گوئی از بازار ایراد کنند و ثانیاً باید کسانی " اجازه " بدهند تا آنها تکلیف مناسبات اقتصادی کشور را روشن کنند.

این در حقیقت عاقبت و سرنوشت تزلزل و عدم قاطعیت و پشت کردن به مردم از طرف کسانی است، که مآشات و تسلیم به راستگرایان و هواداران سرمایه داری را بر قاطعیت انقلابی و در کنار و برای مردم بودن ترجیح می دهند.

اما واقعا و اقتصاد کنندگان اجازه به نخست وزیر چه کسانی هستند؟

اگر برخی از مسئولین و صاحب منصبان هنوز هم چشم خود را به روی واقعیات می بندند و احتکار و گرانی و غارت بی بند و بار سرمایه داری نوکیسه و بازار را بحساب چند محتکرو معدودی گرانفروش، که گویا در بین " بازاریان محترم " بر خورد هاند، می گذارند، زحمتکشان میهن ما مدتهاست نقش مخرب و ضد انقلابی و ماهیت توطئه آمیز عمل سرمایه داری ایران و بخصوص سرمایه داری تجاری بازار را می شناسند. آنها علت واقعی این چپاول بی سابقه را در سیستم ظالمانه سرمایه داری و پشت پا زدن به اصول مترقی قانون اساسی می دانند، که به ویژه در رد بازگانی خارجی دولتی و سیستم توزیع داخلی خلقی تظاهر می کند.

مردم می دانند، که آن " معدود " محتکر و گرانفروش در واقع مجموعه گسترده وزارت بازرگانی، اقتصاد، کار و امور اجتماعی، اعضای مجلس قانون گذاری کشور (همچون خاموشی ها و پورا ستادها) و روحانیون محافظه کناری هستند، که غارتگری سرمایه داری را حکم الهی و کوتاه کردن دست آنها را از گلوئی زحمتکشان و

محرومان جامعه عملی غیر شرعی می دانند! با انکاء به این فتوای سرمایه دار پسند است که آقای عسگر اولادی (تا وقتی که هنوز وزیر بود) می گفت:

"... فقهای ما انحصار تجارت خارجی در دست دولت را منطبق با قوانین شرع نمی دانند" (اطلاعات، یکشنبه ۲ مرداد ۶۲)

شایان توجه است، که این " معدود " محتکر و گرانفروش، آنچنان سلطه خود را در حیات اقتصادی کشور گسترده اند، که دولت جمهوری اسلامی برای پیشبرد پروژه های خود قادر نیست به آهن های احتکار شده آنها دست یابد و ناچاراً برای بدست آوردن آهن دست به اعمال قاچاق می زند. به صحبت های آقای فقوری فرد وزیر نیروی جمهوری اسلامی در مجلس توجه کنید تا به عقب ناتوانی و عجز تأسف بار دولت در مقابل سرمایه داران بی بربید. آقای وزیر در مقابل سؤالی نماینده " بندرعباس " می گوید:

" برای زدن سقف نیروگاه (در بندرعباس) مدت ها منتظر آهن بودیم و تنها راهی که بعد از شش، هفت ماه بدست آوردیم این بود که به وسیله قاچاق پسته به دویی بردیم و فروختیم و آهن برای سقف آنجا آوردیم " (اطلاعات، شنبه اول مرداد ۶۲) و این در حالی است که انحصار آهن در دست عضو مجلس قانونگذاری کشور از طرف حزب جمهوری اسلامی، یعنی آقایان سید تقی خاموشی و پورا ستاد و اعوان و انصارشان در بازار می باشد.

راستی که حرص و آز و توطئه چینی سرمایه داری وقتی با مآشات و تسلیم طلبی جناح دیگر حاکمیت درمی آمیزد، چه معجونگی که بوجود نمی آید!

برخلاف تبلیغات راستگرایان، احتکار و گرانی مولود " ظل ناخواسته (جنگ و محاصره اقتصادی و ۰۰۰) از یکطرف و از طرف دیگر ارادی (توسعه و گسترش عدالت اجتماعی !!) " (اطلاعات ۲۹ تیرماه ۶۲ مقاله " دوسوی بام انقلاب) نیست، بلکه نتیجه آن امکانات گسترده است، که مسئولین مآشاتگسر و تسلیم طلب جمهوری اسلامی خود از طریق تزلزل در ضربه زدن به مناسبات غارتگرانه سرمایه داری، در اختیار کلان سرمایه داران و در صد رآنها سرمایه داری کهنه و نوکیسه تجاری قرار داده اند تا از آن بعنوان وسیله

برائسی در جهت مسخ انقلاب و کسب قدرت کامل سیاسی و بازگشت تام و تمام کشور به جهان سرمایه داری و در نهایت به دامن امپریالیسم استفاده کنند.

برخلاف تصور و یا میل مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی حل معضلات عدیده اقتصادی، که در درجه اول کمزحمتکشان را زیر بار خود خرد کرده است، با پند و اندرز به " تجار محترم " و یا به کمک آنها، آنگونه که سرمقاله " روزنامه " اطلاعات چهارم مرداد ماه تحت عنوان " جریمه کافی نیست " پیشنهاد می کند، امکان پذیر نیست. ایجاد این غارتگری بی سابقه آنقدر وسیع است که تنها با بهره گیری از همه توان توده زحمتکش و تشکل های صنفی و سیاسی آنها و پایان دادن انقلابی به سلطه چپاول گرانه سرمایه داری بزرگ قابل حل است.

این راه حل علمی و عملی و انقلابی برای ایجاد آن نظام اجتماعی - اقتصادی که در برگیرنده منافع زحمتکشان میهن ما باشد مدتهاست بوسیله " حزب توده " ایبران، حزب طبقه کارگر ایران ارائه گردیده است. در برنامه " حزب توده " ایران بر آن است که

" شکوفائی اقتصاد کشور و تأمین عدالت اجتماعی تنها از راه رشد بدون وقفه بخش های دولتی و تعاونی در اقتصاد و محدود کردن بخش خصوصی به فعالیت در رشته های کمکی یا سرمایه گذاری متوسط و کوچک تحت کنترل همه جانبه دولت است. امکان پذیر است. این کنترل دولتی باید شامل حدود تراکم و تکثیر سرمایه و میزان سود برداری از این سرمایه گذاری باشد. هرگونه راه حل دیگر که انباشت سرمایه و میزان سود برداری را محدود نگرداند، راه را برای بازگشت تسلط نظام غارتگر سرمایه داری هموار خواهد کرد "

در واقع تنها راه مبارزه با احتکار و گرانی، در هم کوبیدن سیستم اقتصادی موجود و جامعه عمل پوشانیدن به این پیشنهادات علمی و عملی حزب ماسست، بدیهی است نمی توان در تنگنای ترین کارزار زشت ضد کمونیستی با شرورترین نیرو های سرمایه داری همصدا و همقدم بود و درین حال به پوزنه آنها هم مهار زد. باید، اگر هنوز چنین توانی هست (در درجه اول این تنگ را از دامن خود زدود.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

شرکت روزافزون محافل مترقی بین‌المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۳
 ● سازمانهای زیر در شهر درادون، طوسی ارسال نامه‌ای به سفارت ترکیه در دهلوی نو، دستگیری دانشجویان ایرانی در این کشور را محکوم نموده، آزادی آنان را خواستار شده‌اند:
 ● فدراسیون دانشجویان هند وستان
 ● فدراسیون جوانان دمکرات هند وستان
 ● جوانان آزاد یخواره ● فدراسیون سراسری جوانان هندوستان در این شهر و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی)

پشتیبانی دمکراتها و سازمانهای مترقی، نمایندگان پارلمان و اتحادیه‌های کاری بریتانیا از زندانیان توده‌ای

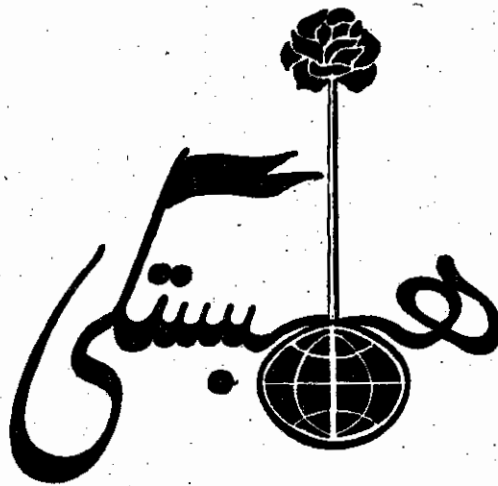
روز پانزدهم ژوئیه (بیست و چهارم تیر ماه) پایتکار "کمیته دفاع از انقلاب ایران"، جلسهای در شهر لندن با شرکت دهه‌ای از شخصیتهای مترقی و دمکراتهای بریتانیا، تشکیل گردید.

در جلسه فوق، از جمله رئیس‌بخش لندن "کمیته دفاع"، توضیحاتی پیرامون اوضاع اخیر ایران و شیوه‌های ددمنشانه‌ای که در شکنجه‌گاههای جمهوری اسلامی، در مورد مبارزین توده‌ای اعمال می‌شود، ارائه داد و نیز ویدئو فیلم "محرقات" رهبران حزب توده ایران، بمرعز نمایش درآمد که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرارداد.

جلسه پس از بحث و گفتگو در مورد مسأله و اشاره به جنایات "سیا" و متدهای اعمال شکنجه در مورد مبارزین جنبشهای رها یخخش سراسر جهان، باتفاق آراء، بیورش وحشیانه علیه حزب توده ایران و مبارزین در بند توده‌ای را محکوم و همبستگی خود را با آنسان اعلام نمود.

● خانم جون می‌نارد، نماینده حزب کارگر در مجلس عوام بریتانیا، در پی امضای اعتراضیه‌ای نسبت به اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد زندانیان توده‌ای، اقدام به طرح مسأله در پارلمان بریتانیا نموده است. وی از خانم تاجرنخست-وزیر بریتانیا، در مورد همکاری دستگاههای امنیتی این کشور با ایران پرسش نموده و خاطر نشان ساخته است که با توجه به مدارک موجود از آنجا که از زمان حکومت دکتر صدق، سرکوب حزب توده ایران در دستور کار سازمانهای جاسوسی بریتانیا بوده و با توجه به گزارشات متعدد روزنامه‌ها، چه تضمینی وجود دارد که دولت بریتانیا و دستگاههای امنیتی آن در حمله وحشیانه به حزب توده ایران، دست نداشته باشند؟ منشی پارلمان خانم تلچر از طرح مسأله در مجلس بریتانیا، سرپا زده و بعنوان توضیح در باره این امر، حساس بودن

مطلب و ارتباط آن با مسائل امنیتی این کشور را عنوان کرده است.



ایران، جهت بررسی وضع زندانیان گردیده است.

● جیم لیل، مسئول کمیته سیاسی شوراهای تعاونی انگلستان که میلیونها عضو دارد، ضمن ارسال نامه‌ای به "کمیته دفاع از انقلاب ایران" مراتب تنفر و انزجار خود را بنسبیت پایمال نمودن حقوق و آزادیهای دمکراتیک در ایران، که با دستگیری و شکنجه رهبران و هزاران تن از اعضای حزب توده ایران، باج خود رسیده است، ابراز نموده است.

● جیم لیل که در عین حال، سمت "نایب رئیس شورای جهانی صلح" در بریتانیا را نیز دارا می‌باشد، ضمن ابراز همبستگی با زندانیان توده‌ای، خواستار پایان دادن به اعمال وحشیانه در مورد این مبارزین گردیده است.

● اعضای "انجمن دانشجویان کرد در اروپا" شاخه بریتانیا، ضمن ابراز انزجار شدید از توطئه‌های امپریالیسم جهت سرکوب حزب توده ایران، خواهان پایان دادن به تضییقات ددمنشانه علیه حزب و مبارزین آن گردیده‌اند.

اتحادیه کارگران

یمن دمکراتیک در بریتانیا

اعضای اتحادیه کارگران یمن دمکراتیک در بریتانیا، که همواره از مبارزات قهرمانانه ضد امپریالیستی و خلقی حزب توده ایران، پشیمانی کرد مانند، خشم خود را از فرود آمدن دشنه امپریالیسم و ارتجاع بر پشت حزب توده ایران، این مدافع صدیق و پیگیر انقلاب میهن ما، طی ارسال نامه‌های متعدد به "کمیته انقلاب ایران"، ابراز داشته و خواهان رفع تضییقات علیه حزب و پایان دادن به اعمال روشهای وحشیانه در مورد رهبران و اعضای آن گردیده‌اند.

اسپانیا

موج انزجار و تنفر نسبت به دستگیری و شکنجه زندانیان توده‌ای، در اسپانیا بالا گرفته است. از جمله شخصیتهای برجسته و مترقی این کشور، که ضمن محکوم نمودن این اعمال، پشتیبانی خود را از مبارزین در بند اعلام نموده‌اند، انریکوآند ورا، مسئول دولت اسپانیا در رابطه با بازار مشترک اروپا، می‌باشد.

بقیه در صفحه ۱۱

● الف لوماس، نماینده بریتانیا در پارلمان اروپا متعلق به حزب کارگر و عضو کمیته یمن-المللی آن، ضمن امضای اعتراضیه، خواستار پایان دادن به شکنجه‌ها در مورد زندانیان توده‌ای و آزادی آنان گردیده است. وی همچنین بر لزوم اعزام کمیسیونی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان بایران، جهت دیدار با این مبارزین تأکید ورزیده است.

● کن گیل، دبیر کل "اتحادیه سراسری کارگران مهندسی بریتانیا" که با داشتن بیش از یک میلیون عضو، یکی از بزرگترین اتحادیه‌های کاری این کشور می‌باشد، طی صدور بیانیه‌ای، بنام کلیه کارگران اتحادیه، اعمال شکنجه و تضییقات وارده بر مبارزین توده‌ای را شدیداً محکوم نموده و خواستار آزادی بلا درنگ آنان گردیده است.

● هیأت اجرائیه "اتحادیه کارگران دخانیات بریتانیا"، نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران و سایر دمکراتها اعتراض کرده و خواستار اعزام هیأتی به

بزرگاری کنفرانس مطبوعاتی در درادون (هندوستان) بمنظور افشای جنایات دژخیمان در زندانهای ج.ا.ا.

در چارچوب کلی سیاست راستگرایانه حاکمیت جمهوری اسلامی و پیرامون نقش مبارزه جوانیه حزب ما در دوران قبل و پس از پیروزی انقلاب بهمن ماه، ضمن محکوم کردن بیورش ارتجاع به حزب طبقه کارگر و اعمال روشهای وحشیانه در مورد مبارزین توده‌ای، افکار عمومی مترقی را در سراسر هندوستان، با ابراز همبستگی با اعضای در بند حزب توده ایران، فراخوانده شد. گزارش کنفرانس مذکور، در اکثر روزنامه‌های محلی بچاپ رسیده است.

چهاردهم ژوئیه (۲۳ تیر ماه) - در کنفرانس مطبوعاتی که با شرکت "فدراسیون جوانان دمکرات" و "فدراسیون دانشجویان هندوستان" و "اتحادیه کارگران هتلها" و با حضور خبرنگاران جراید مختلف محلی و دمکراتهای درادون برگزار گردید، شرکت کنندگان با استماع سخنان نماینده "فدراسیون دانشجویان"، در مورد جریان بیورش به حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران

سی سال از تجربه فاجه خائنانه و امپریالیستی

ریزند " (۲۲۴) ، به معاشات با شاه و تهدیدات لفظی علیه او اکتفا شد .

این تزلزل و ماشاگرگی در سیاست مصدق ، با رشد ضرورت و مبرمیت اتخاذ تصمیم قاطع در مقابل دربار و شاه و کودتاچیان ، تشدید می شد . و کجای اقدام جدی و قاطع علیه تدارک کودتای ۲۸ مرداد ، که اخبار تکوین آن را حزب ما به او می رساند ، با تحمل خائفانه از نوع بقائی ها ، که آژدانه و با گردن شق راه می رفتند و روزنامه منتشر می کردند امکان میداد شایع کنند ، که گویا حزب توده ، ایران تدارک " کودتای کمونیستی " می بیند !



نقل از " شاهد " ۱۲۰۰ اردیبهشت ۱۳۲۲

بایه طبقاتی نامتجانس و نقش آن در نبرد برای ملی شدن نفت

امپریالیست ها و در رأس آنان امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی در سالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد ، با بهره گیری از تضاد طبقاتی نیروهای نامتجانس شرکت کننده در جنبش ملی شدن نفت و در " جبهه ملی " به اهداف خود دست یافتند . اگر آنها که جاسوسان و عمال امپریالیسم بودند و چیزی جز خدمت به امپریالیسم در سر نداشتند ، همانند بقیای ها و شمش قنات آبادی ها ، از ابتدا " جبهه ملی " و طرفداری از مصدق را وسیله مناسب اعمال سیاست خائنانه خود می دانستند ، عناصر متزلزل و اغاقتی دیگر در طول ماههای دولت مصدق ، همزمان با تعمیق نبرد خلق با امپریالیسم و ایجاد شرایط مساعدتر شرکت توده های زحمتکش در نبرد ضد امپریالیستی و آشکار شدن دور نمای پیروزی نهایی خلق بر امپریالیسم ، بتدریج از او جدا و دور شدند و با ایجاد سازمانهای خود ، همانند " حزب زحمتکشان " و " مجاهدین اسلام " ، دست به مخالفت و بالاخره دشمنی هم با مصدق و همسپا جنبش خلقی زدند .

فاجعهای که سی سال پیش برای میهن ما و برای خلقهای میهن ما با کودتای خائنانه ، ضد ملی و امپریالیستی ۲۸ مرداد به دست شاه - زاهدی ایجاد شد ، با آنچه که اینروزها در ایران تکوین می یابد ، با وجود اختلافاتی ، شباهت وحشتناکی دارد .

شیوه های جنایتکارانه و مزورانه امپریالیسم و ضد انقلاب و ابزارهای آنها در هر دو دوران بیکار بردند و می برند یکی است و بوسیله آنها یک هدف را دنبال می کنند .

هدف آنها در هر دو دوران به شکست کشاندن جنبش مردمی برای تأمین استقلال واقعی کشور و تداوم تسلط خائنان براندازشان بر میهن ماست . مهم ترین شیوه که برای دسترس به این هدف نابکارانه بکار بردند و می برند ، شیوه ایجاد تشتت و نفاق بین نیرو ها و اقشار و طبقاتی است ، که متحد طبیعی و واقعی یکدیگر در نبرد برای پیروزی جنبش انقلابی و تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان و برای حفظ منافع ملی خلقهای میهن ماست .

ابزاری که بدین منظور بکار گرفتند ، می گیرند ، ابزار تهمت و افتراء ، ایجاد بی اعتمادی در هر دو دوران بین هواداران مصدق و حزب ما و مسلمانان مبارز " و حزب ما بود و اکنون نیز هست .

سیاست تبلیغ بیه اصطلاح " خطر کمونیسم " و " کودتای کمونیستی " ، هم آن روزها و هم این روزها ، به پرچم توده ستیزی و شوروی - ستیزی جاسوسان شناخته شده و شناخته نشده امپریالیسم تبدیل شده بود و شده است . هم بقائی ها و امامی ها از " خطر کمونیسم " و " کودتای کمونیستی " صحبت کردند و هم امیرانتظام ها و قطب زاده ها ، جلال الدین فارسی ها و ...

این سیاست خائنانه توده ستیزی ارتجاع و عمال آن در دوران قبل از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد را رفیق جوانشیر در کتاب " تجربه ۲۸ مرداد " ، از جمله در صفحه ۱۴۹ آن (از این پس اعداد درون پرانتز ، شماره صفحات این کتاب است) چنین توصیف می کند :

" اقلیت (مجلس شانزدهم) که جاسوسان سرشناسی چون جمال امامی ، د ولت شاهی و پیراسته در رأس آن بودند ، امیدوار بودند ، که با ایراد فشار به دولت مصدق ، او را وادار به تسلیم و یا ساقط کنند . اقلیت طلب می کرد ، که مصدق از قانون ۹ ماده ای طرز اجرای ملی شدن - یعنی در واقع از اصل ملی شدن (صنعت نفت) - دست بکشد و به طریقی با شرکت نفت کنار بیاید . دستاویز تبلیغاتی این جناح جاسوس و خادم شرکت نفت این بود ، که اگر غیر از این باشد ، کشور " کمونیستی " میشود .

امامی می گفت :
" چرا ریشه حزب توده را نمی کنید ؟ این تنها من بودم ، که ده دفعه در این مجلس می گفتم و داد زدم ، که چرا ریشه اش را نمی کنید ، ... حالا اوضاع ظوری شده ، که حزب توده بیاید و مسلط شود شنیدم امام این اواخر رادیو مسکو از جناب آقای دکتر مصدق تعریف میکند و ایشان را وطن پرست می داند . میدانی مفهوم وطن پرستی در قاموس رادیو مسکو یعنی چه ؟ ... آنچه من می بینم این مملکت چهار نعل به سوی کمونیسم و انقلاب کمونیستی میرود " .

متأسفانه مصدق فقط در زندان کودتاچیان ۲۸ مرداد بود ، که به بالاخره فهمید ، که منظور امپریالیست ها از خطر کمونیسم ، خودناو هم هست . خطر کمونیسم بهانه ای است برای سرکوب نهضت های استقلال - طلبانه . او در زندان نوشت :

" در حسن نیت دولت بزرگ (!!) باید تردید کرد . زیرا کمونیسم را بهانه کرده اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء - استفاده کنند " (۲۳۱) . آن روزها ، که همین کودتاچیان زندانبان او تدارک سرنگونی دولت او را می چیدند و در حالی که او نمیتوانست به کمک حزب توده ، ایران کودتا را به جنگ بر ضد کودتاچیان تبدیل سازد ، به این راه نرفت و بجای موافقت با تشکیل جبهه متحد ضد استعمار و دفع یورش دشمن ، لایحه " امنیت اجتماعی " تصویب شد ، که علیه حزب ما بکار برده شد ، تنها امپریالیسم آمریکا آرام نشود . بجای پاسخ مثبت به خواست حزب ما ، که می طلبید " مردم را آزاد بگذارند (و بکلم بطلبند) ، تا بساط کودتا و کودتاچیان را در هم -

آمیز کودتای ضد ملی، مرداد ۱۳۳۲ گذشت

این جدایی نیروهای نفوذی، متزلزل و اتفاقی علل روشن طبقاتی

داشت.

با تعمیق جنبش‌های اجتماعی، با هر چه توده‌های تر شدن آنها، با رشد عوامل دمکراتیک در آنها و با زیر ضربه کشیده شدن هر روز بیشتر منافع اقطاع و طبقات استثمارگر و غارتگره از یکسو جدایی این اقطاع و طبقات و نمایندگان نشان از جنبش تشدید می‌شود و از سوی دیگر نزدیکی و پشتیبانی توده‌های زحمتکش شهر و ده و سازمانهایشان از این جنبش‌های اجتماعی خود را روشنتر، صریحتر و قاطعتر نشان می‌دهد.

بررسی مجدد روند تجزیه طبقاتی، جدایی اقطاع و طبقات مرفه و بسالای جامعه و بورژوازی ملی بویژه سرمایه تجاری بازاری در سالهای ۳۲-۱۳۲۹ از جنبش ملی شدن نفت در ایران دقیقاً همان آزمون تاریخی را ارائه می‌دهد، که جدایی نیروهای لیبرال و راستگرا از صفوف "مسلمانان مبارز" در سالهای بعد از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن نشان داده است. آغاز جدایی اقطاع و عناصر از سمت راست از مصدق، بعد از ۲۹ خرداد و خلع ید از شرکت سابق نفت، همزمان است با پشتیبانی موثر و "حمایت مشروط" حزب مسا، یعنی حمایت از جنبه‌های مثبت سیاست مصدق و دولت او، که از جمله در جریان خرید "قرضه ملی" دولت مصدق ظاهر کرد. حزب مسا به اعضا و هواداران خود دستور خریدن این قرضه را داد و در بیانیه "جمعیت مبارزه با استثمار" مورخ ۱۳۳۰ تیرماه از جمله نوشت:

"باید ملت ایران یا فدا کردن آخرین بقایای مایه‌های خوشبختی به دنیا نشان دهد که مبارزه با امپریالیسم را به قیمت هستی خوش ادا خواهد داد."

این روند تجزیه و جدایی اقطاع و عناصر و صف بندی‌های جدید در کتاب تجربه ۲۸ مرداد چنین توضیح داده می‌شود:

"... جناح راست جنبه ملی از مصدق فاصله می‌گرفت. انواع بهانه‌ها عنوان می‌شد، اما در واقع بهانه گیری‌ها از "نگرانی‌های" پشت پرده آب می‌خورد. ... از میان قشرهای اجتماعی، که پایگاه مصدق بودند - بطور عمده بازار و کسبه - صداهای مخالف شنیده می‌شد. ... (۱۹۶) در مقابل این جریان ضد انقلابی، که مرتجعین و سازشکاران وابسته به امپریالیسم را در اتحاد ضد مصدقی بهم نزدیک میکرد، حزب توده ایران و اردوگاه سوسیالیسم به مصدق نزدیک می‌شدند. ..."

این جدایی عناصر راستگرا و خائن از مصدق، در ترکیب و دسته بندی نمایندگان مجلس نیز تبلور یافت و زمینه ایجاد قاعده ۳۰ تیسر ۱۳۳۱ را آماده ساخت. فاجعه‌ای که فقط با ایجاد یک جنبه وسیع و توده‌های مقاومت علیه دولت قوام و به قیمت فداکاری زحمتکشان و جوانان و زنان میهن دوست، از جمله کارگران نفت جنوب و تهران و شهرهای صنعتی دیگر و با تعطیل کارخانه‌ها و دانشگاهها و اعلام اعتصاب سیاسی عمومی برطرف شد.

در حالیکه نقش متزلزل اقطاع میان در این روزها، همانطور که روزنامه کیهان ۲۷ تیرماه ۱۳۳۱ نوشت، محدود به آن بوده که گروهی از بازاریان در دربار متحصن شوند. حزب مسا با اعلامیه "جمعیت ملی مبارزه با استثمار" در صبح ۲۹ تیرماه تشکیل یک "جنبه" واحد ضد استعماری را درخواست کرد و خود بعنوان موثر آن وارد صحنه نبرد خیابانی شد و سازماندهی پیروزی بر دولت قوام را بعهده گرفت.

وقایع ماههای بعد از ۳۰ تیر، از یک سو به نزدیکی نیروهای سالم و ملی به حزب مسا و از سوی دیگر به تشدید جدایی صف‌ها از راست در جنبه ملی انجامید. این صف بندی‌ها هم موجب شد، که از جمله جناح سالم حزب ایران و آیت الله کاشانی دعوت حزب توده ایران

را برای وحدت پدید یرفتند و پسر آیت الله کاشانی در میتینگ با شکوه جمعیت ملی مبارزه با استعمار (حزب توده ایران) اعلام کرد:

"به شما بشارت میدهم که دعوت به تشکیل جنبه واحد ضد استعمار از طرف آیت الله کاشانی پذیرفته شده است" (۲۰۹)، و همچنین موجب شده که مقابل مصدق از جمله با کودتای نافرجام مهرماه ۱۳۳۱، اخراج اشرف و هبدر شاه از ایران، تدارک تبعید علیرضا پهلوی و چند تن دیگر از اعضای خاندان سلطنتی، بستن سفارت انگلیس و قطع رابطه سیاسی با آن، به انحلال کشاندن مجلس سنا "فقط از جانب حزب توده ایران و تنی چند از نزدیکترین یاران مصدق (فاطمی، شایگان، نریمان، ۰۰۰) مورد تأیید کامل قرار گیرد" (۲۲۱) "تجزیه" جنبه ملی و جدا شدن تدریجی و گروه گروه رهبران آن از مصدق پیوستن شان به سنگر دشمن بازنمایی بود از تغییری که در پایه حکومت مصدق حاصل می‌شد. ملاکین لیبرال و عناصر بورژوازی که در آغاز با جنبه ملی همکاری کرده بودند، با درک این مطلب، که تأکید اصل ملی شدن نفت به معنای انجام انقلاب ملی و دموکراتیک است، به وحشت می‌افتادند و حساب خود را جدا می‌کردند. به ویژه گسترش نهضت کارگری و آغاز جنبش‌های دهقانی بزرگانی آن‌ها افزود. (۲۳۸) جدایی اقطاع و طبقات بورژوازی لیبرال و عناصر ماساگر و تسلیم طلب از اهداف اولیه انقلاب ۲۲ بهمن، یعنی تأمین استقلال واقعی و آزادی همه جانبه برای خلق و بویژه تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان در سالهای پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما نیز همین راه نامیون را طی کرده و می‌کند.

خطر کمونیسم، بجای جنبه واحد ضد استعماری

متأسفانه با وجود آماده شدن شرایط برای ایجاد نهایی جنبه متحد ضد استعمار و نبرد قاطع علیه سلطه جوی امپریالیسم در ایران، که سرگردگی آنرا امپریالیسم آمریکا هر روز بیشتر به عهد می‌گرفت، و در محیط بین‌المللی‌ای، که تسلط "مک‌کارتیسم" بر زندگی اجتماعی در آمریکا بیان آن بوده، این جنبه واحد ضد استعماری تشکیل نشد و سیاست مزورانه تبلیغ در مورد "خطر کمونیسم" برای ایران موفق از آب درآمد. جنبش ملی شدن صنعت نفت سالهای ۳۲-۱۳۲۹ نشان داد، که برای تأمین استقلال واقعی، بویژه استقلال اقتصادی از بی‌وفا امپریالیسم، که ملی کردن نفت تظاهری از آن بود، لازم بود، که جنبش ملی شدن نفت به یک انقلاب ضد امپریالیستی (ملی) و خلقی (دمکراتیک) فرا رود. برای فرا روئیدن جنبش ملی شدن نفت به انقلاب ملی و دمکراتیک، با بهای طبقاتی و اجتماعی "جنبه ملی" و دولت مصدق و همکاری‌اش دارای کشش تاریخی نبود.

مصدق و یارانش جسارت تاریخی و طبقاتی آن را نیافتند با متحدان واقعی جدید خود وارد صحنه شوند و به دعوت جمعیت مبارزه با استعمار پاسخ مثبت دهند، و با توسعه پایگاه طبقاتی و اجتماعی خود و تکیه بر توان توده‌های زحمتکش، راه برون رفت از بحران و نجات جنبش انقلابی را هموار سازند و کودتاچیان و حامیان خارجی آنرا سرکوب کنند.

"مسلمانان مبارز" در ماههای آخر سال ۱۳۶۱ و اوایل ۱۳۶۲ نیز بهمین تزلزل دچار شدند و به رد کردن قوانین تصویب شده اصلاحات ارضی و تجارت خارجی دولتی توسط شورای نگهبان کردن نهادند. آنها برخلاف شیوه امتحان داده بورس به جاسوسخانه آمریکا، که با تجهیز خلق همراه بود و در تمام موارد به تعمیق انقلاب منجر شده است، با وحشت از تعمیق انقلاب، به موفقیت راستگرایان رضایت دادند.

اگر شانتاز توده ستیزی سی سال پیش مصدق را به بی‌علسلی در مقابل کودتا کشاند، امروز این شانتاز امپریالیستی، تسلیم طلبان را به سرکوبگران حزب توده ایران تبدیل کرده است.

درست در زیر چنین جو شانتاز و فشار است، که عناصر متزلزل و بی‌رقمی، که با ادعاهای بزرگ به صحنه آمده‌ها، فریاد "زند باد بازار" انقلابی "و" مرگ بر حزب توده ایران "تن به سرکوب حزب مسا بقیه در صفحه ۱۰.

سی سال از تجربه فاجعه امیر کودتای

بقیه از صفحه ۹

میدهند و به پرچمدار این جنایت، که روزی بدست کودتاجیان آمریکایی، از زمره شاه معدوم و زاهدی و بختیار انجام شده، تبدیل میشوند. این عناصر تسلیم طلب با تصور باطل و خدام، که با سرکوب مدافعان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، دستشان برای تحقق این خواستها باز خواهد شد، امروز به جنایتی دست میزنند، که امپریالیسم آمریکا سی سال پیش مجبور بود برای اجرای آن بارها دست به توطئه کودتائی بزند، تا بالاخره در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به هدف شوم خود دست یابد!

اما برای بر ملا شدن و باطل بودن این تصورات نه برای صدق و نسه برای تسلیم طلبان زمان زیادی لازم نبود. صدق در زندان زرهی فهمید که خود او هم چیزی از "خطر کمونیسم" بحساب می آمده است و بخش تسلیم طلب حاکمیت امروزه جمهوری اسلامی، که از زبان آقاسی نخست وزیر گفته بود: "اکنون (با سرکوب حزب توده) ایران) دستمان برای اجرای اصلاحات اجتماعی باز شده است"، فقط در طول چند هفته با یورش راستگرایان برای سرنگونی دولت پاداش این تسلیم طلبی را گرفتند. در این زمینه سخنان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی باندازه کافی گویاست:

"مردم بما میگویند، که این قشر ضد انقلاب محترک، همه کالاها را در حد وافر جمع کرده اند و با دولت، که مورد حمایت امام است قصد ستیز دارند. می خواهند به خیال خامشان این دولت و این نخست وزیر را از میان بردارند و وقتی دولت به سلیقه خودشان را روی کار آورده، انواع کالاها را جهت گشایش دست آن دولت به بازار بریزند و جشن بگیرند پیروزی خود را... (دور دوزانی، اطلاعات ۲۰ تیرماه ۶۲)

گرایش تسلیم طلبانه امروزی بر این پایه قرار دارد، که تسلیم طلبان در حاکمیت جمهوری اسلامی ریشه طبقاتی و علت شرکت سرمایه تجاری بازار در نبرد علیه رژیم محمد رضا شاه و برای سرنگونی سلطنت درک نکردند. تسلیم طلبان نفهمیدند، که کلان سرمایه دار بازاری علیه رژیم سلطنت مبارزه کرد تا با سرنگونی دیکتاتوری شاه، که بازار و حتی کلان سرمایه تجاری بازاری را به بازی نمی گرفت، بند های پر دست خود را در غارت خلق پاره کند. کمک های آنان به "مسلمانان مبارز" برای رسیدن به حاکمیت خودشان بود و نه برای پیروزی انقلاب "کوچ نشینان علیه کاخ نشینان"! آنها در "انقلاب" خودشان شرکت کردند و به "انقلاب" خود کمک رسانند. اکنون که انقلاب واقعی باید تعمیق یابد تا منافع زحمتکشان و "کوچ نشینان" را تأمین کند، منافع خود را در خطر دیده و با انقلاب و تعمیق آن سرستیز پیدا کرده و به ضد انقلاب تبدیل شدند.

آن بخش از "مسلمانان مبارزی" که به تسلیم طلبان تبدیل شدند، این واقعیت نبرد طبقاتی را درک نکردند و تصور نمودند، که میتزان غارتگران خلق را با پند و اندرز رام ساخت و برای کمک به تعمیق انقلاب جلوب کرد. آنها درک نکردند، که همانطور که شاه و ضد انقلاب را در مرحله اول انقلاب با پند و اندرز نمی شد انقلابی کرد، ضد انقلاب این مرحله انقلاب را هم نمیتوان با پند و اندرز انقلابی کرد.

آنها چون این واقعیت را درک نکردند، هنوز هم دست از پند و اندرز برای آموزش "اخلاق اسلامی" به این گروگان بر نمی دارند. آنها نتوانستند درک کنند، که کلان سرمایه دار بازاری پس از رسیدن به "هدف" خود از انقلاب و شرکت در حاکمیت برای جبران مافات تمام "فضیلت" و "اخلاق" ادعائی را بسوسیده و کنار خواهد گذاشت و به کوسه غارت بی بند و بار زحمتکشان و به گرگ خون و جان آن ها تبدیل خواهد شد.

آنها نتوانستند با بریدن از این پایه های طبقاتی و تکیه کامل بر زحمتکشان شهر و ده و فراخواندن آنها در نبرد علیه راستگرایان، با ایجاد جبهه متحد خلق امکان ایجاد شرایط لازم برای فرا روئیدن انقلاب ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و مردمی میهن ما را از مرحله انقلاب سیاسی به مرحله انقلاب اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنند و اکنون با کمک به ایجاد شرایط کودتای ۲۸ مرداد دیگری، تمام دستاوردهای آن را با خطر جدی

ناپودی و روبرو ساخته اند

صادق کیست؟

در سر تا سر دوران مبارزه برای ملی شدن نفت و دوران اخیر تاریخ میهن ما تنها حزب توده، ایران بوده و هست، که از ابتدا برای اتحاد عمل خلق و نیروهای انقلابی تلاش کرد و می کند. تاریخ واقعی میهن ما می آموزد، که این فقط ما بودیم و هستیم، که از مشی اتحاد عمیقاً دفاع می کنیم و مبارزیم. سایر نیروها مشی اتحاد را اگر هم اعلام کنند، به معنای محدود آن می فهمند و اصل ترین و پیگیر ترین نیرو های انقلابی را کنار می گذارند، زیرا از پیگیری و قاطعیت انقلابی آنها، از حقانیت تاریخی بیم دارند.

"در زمان صدق جنبش انقلابی ما طی مبارزه های دشوار و پندآموز تجربه ای غنی در این مورد کسب کرد. حزب توده، ایران و انقلابی ترین بخش صدق جنبش، گام به گام به هم نزدیک شدند. در سر هر پیچ، گروهی از یاران نیمه راه صدق او را رهسار کرد و در عرض در هر لحظه دشوار و قاطع حزب توده، ایران گام تازه ای به سوی صدق برداشت. ما حکومت صدق را لاقط سه بار از سقوط حتمی نجات دادیم و به آنجا رسیدیم که در روزهای سرنوشت ساز تیر و مرداد ۱۳۳۲ تقریباً تنها سازمان سیاسی وقادار به حکومت ملی صدق و ملی شدن نفت بودیم. و در ۲۸ مرداد مطلقاً تنها سازمانی بودیم که لحظه ای صدق را تنها نگذاشتیم و همه نیروی خود را عرضه کردیم و آمادگی خود را برای دفاع از حکومت صدق اعلام نمودیم. ولی او نپذیرفت و ما را تنها گذاشت. با وجود این ما به مشی انقلابی اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی صادق و وقادار ماندیم، و در شرایطی که حزب در وضع دشواری بود، زنده یاد دکتر حسین فاطمی را در خانه های خود پناه دادیم و به خاطر او شاخه بزرگی را به خطر انداختیم. امروز هم در حزب ما در خانه های ما به روی انقلابیون صدق باز است و باز خواهد بود." (۲۳۹)

این شیوه "تودهای" شیوه عمر حزب ما در تمام طول چند سال بعد از انقلاب نیز بوده است. ما، که بارها خنجر دشمنان مسلمانان مبارز را، که در حال فرود آمدن به پشتشان بود افشا کردیم و دست دشمن را از فرود آمدن باز داشتیم، اکنون هم دست دوستی خود را به سوی مسلمانان مبارز پیگیر دراز و در خانه هایمان را بروی آنها گشوده نگاهد داشته ایم.

بار مسئولیت بر شانه تسلیم طلبان قرار دارد

سی سال پس از کودتای ضد ملی، خائنان و امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، میهن ما یکبار دیگر در آستانه یک چنین دوران سیاه فاجعه آمیزی قرار گرفته است. مسئولیت بحرانی، که انقلاب را به سرانسیب سقوط کشانده است، تنها و تنها بعهده آن "مسلمانان مبارزی" است، که به تعهدات خود و به منافع خلق پشت کردند، دست و دشمن انقلاب را تشخیص ندادند و بجای یافتن جای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما در صف جنبش جهانی ضد امپریالیستی، بجای فشردن دست متحدان طبیعی و واقعی انقلاب و رفتن به راه تعمیق انقلاب، به جستجوی "راه سوم" تخیلی رفتند و دست هر عنصری، که خسود را "مسلمان" خواند فشردند و از این طریق راه نفوذ امپریالیسم را تا قلب و مغز خود باز و هموار ساختند، و در این راه در کنار بازرگان ها، نرزه ها، امیران نظام ها، یزدی ها، قطب زاده، بنی صدرها، کشمیری ها، کلاهی ها و... قرار گرفتند و به دوستان ترکیه و پاکستان کودتا زده تبدیل شدند و به دامن امپریالیسم ژاپن و اروپای غربی افتادند و مآلاره بازگشت "شیطان بزرگ" را هموار می سازند.

این راه فاجعه انگیز را این "مسلمانان مبارز" علیرغم کوشش آگاهانه و قاطعانه و پیگیر حزب ما، که باز تاب صادقانه درک علمی و انقلابی آن از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما بود، طی کردند.

تاریخ یک بار دیگر شیوه صادقانه حزب ما، پیگیری و استواری اصولی و انقلابی آنرا و شیوه ناجوانمردانه و فرصت طلبانه دشمنان آنرا در آستانه سی امین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ضبط خواهد کرد.

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۷

● مطبوعات اسپانیا، در هفته‌های اخیر، صفحات متعددی را به درج اخبار مربوط به زندانیان توده‌ای و شکنجه‌های وارده به آنان اختصاص داد. مانند: از جمله نشریه پرپودیکو، ضمن چاپ تاریخچه مبسوطی از مبارزات حزب توده ایران، به شرح و افشای نمایشات تلویزیونی "اعترافات" رهبران حزب و شکنجه‌های وارده بر آنان پرداخته است.

آمریکا

در برنامه سخنرانی آنجلاد بیوس که در تاریخ سیزدهم ژوئیه (بیست و دوم تیرماه) در سانفرانسیسکو انجام گرفت، حاضرین پس از استماع آخرین گزارشها در مورد رفقای زندانی ما، با دادن امضاء همبستگی خود را با آنان ابراز نمودند.

● روز پانزدهم ژوئیه (بیست و چهارم تیرماه) میتیگی بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب نیکاراگوئه در شهر سانفرانسیسکو برگزار گردید که ضمن آن از جمله، گزارشی در مورد وقایع اخیر ایران و شکنجه و فشار وارده به رفقای زندانی ارائه گردید و حاضرین طی امضای بیانیه همبستگی با این مبارزین، درخواست اعزام هیأتی جهت دیدار از زندانیان و برگزاری دادگاههای علنی برای آنان، تأکید ورزیدند.

سوئد

روزنامه "نوشن فلامان"، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد، در تاریخ بیست و هشتم ژوئیه (ششم مرداد ماه) در صفحه اول تحت عنوان "اعتراضات بین المللی میتواند باعث نجات جان هزاران نفر شود"، می نویسد: "هزاران نفر از اعضای بازداشت شده حزب توده ایران، در معرض خطر اعدام قرار دارند. بسیاری از زندانیان بطرز وحشیانه‌ای شکنجه شده و عده‌ای از آنان در زیر شکنجه به هلاکت رسیده‌اند."

روزنامه "سپس بدیج" کامل بیانیه سازمان حزب توده ایران در سوئد و همچنین اطلاعیه این سازمان در مورد شهادت رفیق گایگ آوانسیان، متعاقب شکنجه‌های درخیمان حکومت ج ۱۰۱۰، همراه با چاپ عکس وی، اقدام نموده است. در بیانیه سازمان حزب توده ایران در سوئد، از جمله به شایعه اعدام رفیق کیانوری، که توسط مشترک محافل ارتجاعی داخل و خارج برای آماده کردن زمینه قتل دبیر اول حزب توده ایران است و نیز به شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی و خیرهای واصله در مورد کشته شدن رفقای دیگر کادر رهبری حزب، اشاره شده و در پایان فراخوانی به افکار عمومی مرفقی سوئد، جهت اقدامات به منظور نجات جان مبارزین در برنده داده شده است.

مبارزین اصیل را آزاد سازید و انقلاب را از ورطه نابودی برهانید!

● حزب کمونیست، سند یکا‌های کارگری، شخصیت‌های مرفقی و دیکراتهای سراسر ایتالیا، به تلاش گسترده‌ای، جهت نجات جان توده‌های در بند زد ماند.

● سازمان سراسری مبارزه برای صلح در ایتالیا، اعتراض شدید خود را نسبت به اعمال روشهای وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران ابراز داشته و معتقد است که این اعمال، راه را برای ورود مجدد امپریالیسم و متحدانش به ایران باز می‌کند.

● شاخه فدراسیون عمومی کار ایتالیا، در شهرهای باری، آنکونا، فرارا، ویچنسا و نواحی امیلیا و کانتیا، طی ارسال تلگرامهای اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی ایران، بنام کارگران این نواحی، دستگیری و شکنجه توده‌ایهای در بند را قویا محکوم کرده، آزادی آنان را خواستار گردیده است.

● جمعیت ملی پارتیزانهای ایتالیا در نواحی پیه مونته، و در شهرهای رم، فلورانس و آنکونا، رفتار وحشیانه با زندانیان توده‌ای را شدیداً محکوم نموده، خواستار قطع فوری شکنجه‌ها و رهائی این مبارزین از زندانها شده‌اند.

● شاخه‌های حزب کمونیست و فدراسیون جوانان کمونیست در شهرهای مختلف ایتالیا طی بیانیه‌های متعددی بنام کمونیستهای این کشور، تضيیقات وارده بر حزب توده ایران و اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد مبارزین توده‌ای را محکوم کرده، از تمامی زحمتکشانی و دیکراتهای ایتالیا خواسته‌اند که اعتراض خود را نسبت به این اعمال و همبستگی خود را با مردم ایران و زندانیان توده‌ای، اعلام دارند.

● سازمان زنان فالتونارا، طی تلگرافی که به سفارت ج ۱۰۱۰ مخابره کرده است، خواستار آزادی مریم فیروز و سایر زنان دگر اندیش شده است.

● شعبه سازمانهای مرفقی خارجی در ایتالیا، از جمله حزب کمونیست یونان، هواداران حزب کمونیست اردن و اتحادیه ملی دانشجویین اردنی، به طرق گوناگون، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران را محکوم کرده، آزادی این مبارزین را خواستار گردیده‌اند.

● فدراسیون ناحیه‌ای کارگران شاغل در رشته‌های خدمات در رم و استان مرکزی، طی مخابره بقیه در صفحه ۱۵

حرف تو حرف

رونوشت، برابری اصل!

● "سرنوشت و آینده دانش آموزان برای کشور ما، بزرگترین و بیشترین اهمیت را دارد. و در جامعه انقلابی ما اهمیتی که به سرنوشت شما خواهد اهران و برادران داده می‌شود، در هیچ کجای جهان سابقه ندارد!" (مهندس موسوی نخست‌وزیر "کیهان" ۸ مرداد)

● برای ثبت نام دانش آموزان مشکلات زیادی ایجاد می‌کنند. ۳۰۰ از مسئولان امر تقاضا داریم ترتیبی دهند که مدارس، دانش‌آموزان و والدین آنها را سرگردان نکنند.

نزهت قهرمانی فر
کیهان ۱۰ مرداد

پیدا کنید ظالم را!

● یعنی اگر بنا باشد که این اصل را ما نتوانیم دیدیم بگیریم و انسانهای جاهل را به مسئولیت‌هایی که آشنا نیستند به اسم عدالت بخواهیم بکاریم، این ظلم به مردم، ظلم به انقلاب و حتی به خود آن آدم است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - کیهان
۸ مرداد

● با توجه به این "بنا" پیدا کنید ظالم را!

مادیر با غرب، درگیری نداریم!

● "غربیها هم همه تبلیغاتشان را، درگیری با ایران و بسیاری از چیزها را بر این اساس توجیه می‌کردند که حزب توده در ایران خطری است، ایران کمونیست می‌شود و ایران به دامن شوروی می‌رود و اینطور برخورد می‌کردند."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - کیهان
۸ مرداد

● ترجمه بغاوسی: ما دیگر با غرب، درگیری نداریم!

عجله کار شیطان است!

● دکتر نجفی در مورد تاریخ اعلام نتایج امتحان‌های اعزام سال ۶۱ و ۶۰ گفت:

"در مورد داوطلبین اعزام به خارج با توجه به اینکه فکر می‌کردیم اگر کسی در کنکور داخل قبول بشود، معمولاً از رفتن به خارج منصرف خواهد شد، مسأله تحقیق در مورد پذیرفته‌شدگان مرحله اول اعزام را در اولویت دوم قرار دادیم و بعد از اینکه ما نتایج نهائی کنکور را اعلام کردیم، پرونده‌های تحقیقاتی را در اختیار مسئولین تحقیق گذاشتیم و این کار در مورد داوطلبین اعزام به خارج شروع شده، امیدوار هستیم که در عرض دو یا سه هفته آینده، نتیجه امتحانات اعزام لااقل، در ارتباط با پاکسانی که در سال ۶۱ در امتحانات اعزام شرکت کرده‌اند، اعلام بشود."

● از قدیم و ندیم گفته‌اند: عجله کار شیطان است!

در هفته ای که گذشت!

سخن بر سر ترمیم کابینه نیست

در هفته گذشته، ترمیم کابینه هنوز از عمده مسائلی بود، که بسیاری از مقامات بلند پایه و نمایندگان مجلس، طی مصاحبه ها و سخنرانیها به آن پرداختند و درباره آن مقالاتی نیز در مطبوعات مجاز کشور درج گردید. روزنامه صبح آزادگان (۱۶ مرداد ۶۲) در ستون سخن روز "و تحت عنوان "ترمیم کابینه" مینویسد:

"و مطلب مهم در این رفتنها آمدن نهایستی بررسی گردد و آن مطلب این است که، آنها که رفتند چرا رفتند و اینها که می آیند چرا می آیند؟"

سوال بجایی مطرح می شود، بدین آنکه مقاله نویسنده به آن پاسخ روشن و دقیقی بدهد! چرا که با پاسخ به این سوال، سیاست حاکم بر دولت آقای موسوی مورد علامت سوال قرار خواهد گرفت و بحران انقلاب بر ملا خواهد شد. همین واقعیت است که برخی از نمایندگان مجلس را مجبور کرده است، که ضمن تقاضای تغییرات باز هم بیشتر در دولت، اعتراف کنند، که این آمدن و رفتن ها به تنهایی چیزی را حل نخواهد کرد. آقای صادقی خلخالی نماینده قسم در مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۱ مرداد در مجلس می گوید:

"دولت اگر قاطعیت نداشته باشد به صرف تعویض دو یا سه نفر در کابینه موثر نخواهد بود" (کیهان ۱۱ مرداد ۶۲).

واقعیت این است که سخن بر سر ترمیم کابینه و تعویض چند وزیر نیست. چنین تغییراتی در ماهیت سیاست حاکمیت تغییری ایجاد نمی کنند زیرا ترمیمی نیست که گرایش مخالف انقلاب و خصمیت ضد امپریالیستی و مردمی آنرا طرد کند، و خط قاطع جانب داری عطفی از "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" را حاکم سازد.

در اینجا سخن بر سر مسئله ای عام تر و اساسی تر، بر سر بحران انقلاب است. یعنی بر سر غلبه گرایشهای ضد انقلابی و غیر انقلابی در حاکمیت ج ۱۰۱۰ است، که انقلاب را به سرایش تند سقوط کشانیده است و در واقع بحران حاکمیت و ناتوانی دولت نیز نتیجه غلبه همین گرایشهاست. مسئله بر سر این است، که دولت ج ۱۰۱۰ فاقد یک برنامه روشن و عملی بمنظور بیرون آوردن انقلاب از بحران عمیق کنونی و تحقق شعارهای مردمی آن است.

مسئله بر سر این است که سیاست حاکمیت ج ۱۰۱۰ تا کنون در جهت عکس شعارهای اساسی انقلاب و در جهت منافع کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و پاپیال نمودن آزادی و عدالت اجتماعی و سرکوب مدافعان راستین انقلاب - چه مسلمانان و چه دگراندیش - بوده است. مسئله بر سر این است که:

آیا قانون اصلاحات ارضی اجرا خواهد شد؟ آیا قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی در عمل پیاده خواهد شد؟ آیا قانون مالک و مستأجر بنا به روح انقلاب تغییر خواهد کرد؟ آیا قانون کار شایسته انقلاب تدوین خواهد شد و قوانین طاغوتی کنونی لغا خواهد گردید؟ آیا مالکیت پر شالوده انقلابی محدود خواهد شد و اصل ۴۹ قانون اساسی تحقق خواهد پذیرفت؟ آیا بخشهای "دولتی و تعاونی" اساس اقتصاد کشور انقلابی قرار خواهند گرفت و بخش خصوصی "بیمه آنگونه که قانون اساسی پیش بینی کرده"، مکل "آنها خواهد بود؟ در واقع بسیار چیزها، برای تحول آینده کشور، نجات انقلاب از بحران به پاسخ همین پرسشها وابسته است. ولی همانطور که

جنگ زرگری با انجمن حجتیه

چند هفته است، که هیاهوی در اطراف انجمن حجتیه برپاست، شخصیت های سیاسی سطح مختلف، سخنانی در رابطه با این انجمن ایراد کردند و نظراتی ارائه دادند. یکی بر این نظر بود که "آنها (انجمن حجتیه) فرصت - طلبانه خود را حامی انقلاب ۰۰۰ جا زدند و توانستند کارهای بعضی حساسی را در اختیار بگیرند" دیگری می گفت که "انجمن حجتیه ۰۰۰ اساسا انقلاب را قبول ندارد" سومی بر این عقیده بود که "انجمن حجتیه در جریان کلیش جریان ارتجاعی است" دیگری معتقد بود که "ماهیت پلیدیها (انجمن حجتیه) در عرض این مدت افشاء شده است" و ۰۰۰.

اکنون که برای "مبارزه" با انجمن حجتیه رخصتی داده شده و بازار حجتیه "کوبی" گرم شده است، هر که در خور و توان خود به انجمن حجتیه اعلان جنگ" میدهد! از گفته ها چنین برمی آید که گویا برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران بی به ماهیت پلیدی انجمن حجتیه بردماند و معتقدند که لازمه از بین بردن این پلیدی "مبارزه" با این انجمن است. بگذریم از اینکه این بی بردن، با تاخیر چهارساله انجام میگردد.

ولی سوالی که در این رابطه به ذهن خطور میکند این است، که میخواهند با چه چیز انجمن حجتیه مبارزه کنند؟

مگر نه اینست که این انجمن دارای خط مشی مشخصی است و با استفاده از "کارهای حساسی" که در اختیار دارد و از طریق افراد نفوذی بیشمار که در حاکمیت و اطراف آن بکار گمارده است، این خط مشی را بتدریج به سیاست حکومتی تبدیل کرده است؟!!

آنها بیکه ادعای "مبارزه" با انجمن ضد انقلابی حجتیه را دارند، قاعدتا بایستی طالب مبارزه با خط مشی این انجمن باشند؛ یعنی طالب مبارزه با: سیاست استقلال پر بادد حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، قانون شکنی، تفتیش عقاید قرون وسطایی، زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی، توده ستیزی، اعمال سیاست های ضد کارگری و ضد زحمتکشان، به رسمیت نشناختن حقوق اقلیت های ملی و در نهایت ایجاد جو رعب و وحشت و حاکم ساختن محیط ترور و اختناق. اینست دستاورد های خط مشی ضد انقلابی

انجمن حجتیه، که در طول چهار سال و اندی در دستیابی به آن تلاش کرده است؛ خط مشی ای که اکنون به برنامه و سیاست جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و در سطح جامعه همچنان اعمال میشود. کلیه موارد بر شمرده فوق، در چار چوب خط مشی انجمن حجتیه می گنجد. آنها بیکه خواهان مبارزه با این انجمن هستند، طبعاً باید با موارد یاد شده نیز به مبارزه برخیزند و در جهت ریشه کن کردن این پلیدیها بپرازند.

مادامیکه سیاست دفاع از منافع کلان سرمایه

بقیه در صفحه ۱۳

بمباران جنایتکارانه اندیشمک و گیلان غرب

اخبار و گزارشهای نگرانی آوری از مناطق جنوب و غرب کشور میرسد. طبق این گزارشها در هفته گذشته منطقه گیلان غرب و اندیشمک از سوی واحد های ارتش عراق زیر آتش گرفته شد و یازد یک دهستان از هموطنانمان را به خاک و خون کشید و چندین خانه را بر سر ساکنین آن خراب کرد.

مردم پلاکشیده مناطق جنگ زد، ده، از افروخته شدن شعله های جنگ، مستقیماً زبان دیده و قربانیان عملیات تلافی جویانه دشمن و ادامه بیمورد جنگ هستند.

باید هر چه زود تر به این جنگ خانمانسوز پایان داده شود! باید به تمام جنگ افروزان لگام زد تا جلوی افزایش خسارات و قربانیان بی گناه گرفته شود!

"راه توده" شهادت جمعی از مردم بیگناه گیلان غرب و اندیشمک را به هموطنان عزیز تسلیت می گوید.

انتظار می رفت دولت آقای موسوی تاکنون هیچ گونه حرکتی در جهت پاسخ به این سوالات انجام نداده و تنها به تعیین "ضوابط برای تکمیل کابینه" که لابد همان تأمین رضایت راستگرایان و بازاریهای محترم برای انتخاب وزرای آینده است، مشغول است. وقتی کسه مقامات بلند پایه ج ۱۰۱۰ از قبیل رئیس جمهور ادامه فعالیت های انقلابی (!) توکلی و عسگر اولادی را بطلب و عسگر اولادی وزارت خود را تنزل درجه و برکناریش را ارتقاء مقام بداند و آبراباسری افراشته اعلام کند، از این دولت انتظاری بیش از این نمیتوان داشت.

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

داران و بزرگ مالکان و خفه کردن هرگونه صدای حق طلبی و عدالتخواهی در عرصه داخلی و شهری ستیزی و دوری از جنبش های مترقی و آزادی بخش و نزدیکی به دول امپریالیستی و هم قسمان و ایادی از نوع کشورهای "جهان سوم" آن در عرصه خارجی، توسط جمهوری اسلامی ایران دنبال می شود، صحبت از مبارزه با انجمن حجتیه نمی تواند در میان باشد.

مبارزه با خط مشی انجمن حجتیه مترادف است با در پیش گرفتن سیاست مردمی و ضد امپریالیستی بوسیله جمهوری اسلامی ایران، یعنی در پیش گرفتن درست عکس سیاستی، که اکنون حاکم بر سرنوشت جامعه ایران است.

ما درون را بنگریم و حال را نی برون را بنگریم و قال را

معیار عمل است. قال و مقال پیشیزی نمی -

ارزد. مگر کم اندکسانیکه دم از "انقلاب کوخ -

نشینان علیه کاخ نشینان" می زنند؟ مگر صحبت از "دستان پینه بسته دهقانان

به مثابه" سند مالکیت آنان" کم می شود؟ مگر کارگزاران به عنوان "ستسون

انقلاب" ستوده نمی شوند؟ چنانکه گویاست، در عرصه حرف همه چیز

بر وفق مراد زحمتکشان و محرومان جامعه است؛ ولی در منصفه عمل، مراد سرمایه داران غارتگر و

بزرگ مالکان زمینخوار، حاصل شده است؛ همان مرادی که حاصل به آن، رسالت انجمن

حجتیه را تشکیل می دهد! با توجه به این تفاسیل، "مبارزه" با

انجمن حجتیه، که در تمام ارگانهای دولتی و مملکتی ریشه دوانده و سیاستش به سیاست روز

حاکمیت بدل گشته است، مضحکهای بیش نیست.

سیاست همسوئی با امپریالیسم

گرایش به راست در حاکمیت ج ۱۰۱۰ باعث آن شده است که مناسبات ایران، با کشورهای

امپریالیستی و وابستگان شان از نوع ترکیه و پاکستان حفظ و گسترش یابد. در عوض مناسبات

ج ۱۰۱۰ با کشورهای مترقی و ضد امپریالیست تیره تر گشته است.

همانگونه که لیبیالها، قطب زاده و بنی صدر میکوشیدند تا روابط با اروپای غربی و ژاپن و

کشورهای وابسته ای چون ترکیه و پاکستان را گسترش دهند، دلتنردان کنونی نیز ادامه دهندگان همان خط و طرز تفکرند. اگر بنی صدر

معتقد بود که: در مورد ژاپن و اروپای غربی باید بگویم که ایرقد رتها عرصه را بر آنها تنگ کرد مانند مس

یک زمینه مشترک با ژاپن داریم و آن این است که آنها نیز مانند ما زیر تهدید ایرقد رتها هستند. آنها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آنها (اطلاعات ۱۳ بهمن ۱۳۵۸).

آقای ولایتی نیز در ادامه نظر پیشینیان خسود معتقد است که:

"ایران و ژاپن دو کشور آسیایی هستند و ما خواهان گسترش و تحکیم هر چه بیشتر روابط بین دو کشور در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می باشیم" (اطلاعات، ۱۸ مرداد ۶۲).

در پی اظهارات بالا، آقای رفسنجانی نیز خطاب به وزیر امور خارجه ژاپن میگوید:

"ما به آینده دو کشور امید زیادی داریم و ترجیح میدهم بواسطه تنفرد و ملت ایران و ژاپن از آمریکای جهانخوار با کشور شما روابط خوبی داشته باشیم" (اطلاعات، ۱۷ مرداد ۶۲).

آیا این حرکت کردن با دو پای قطب زاده ها نیست؟

مقامات بلند پایه ج ۱۰۱۰ در واقع با وعده کردن تنفرد مردم دو کشور از آمریکا، بر روی همکاری با امپریالیسم حاکم بر مردم ژاپن، که با امپریالیسم آمریکا وحدت ارگانیک و استراتژیک دارد و هر دو سر و ته یک کریاسند، پرده ساتر میکشند.

این کلی گویی ها که به آنها گوناگون بیان میشود، بی جهت نیست. از کوره راهی که در لابلای این گونه سخنان باز نگهداشته شده است، خوش و پیش با امپریالیسم، پیوند با این دول و سرانجام گسترش روابط استعماری با آنها در مد نظر است.

اگر راست می گوید به وعده های خود عمل کنید!

در حالیکه حاکمیت ج ۱۰۱۰ هر روز بیشتر از مردم و اهداف اصلی انقلاب فاصله می گیرد و عریان تر از هر زمان، ناتوانی خود را در مقابل خواست های اساسی مردم و برآوردن وعده های طلایی، که به زحمتکشان داده بود به نمایش می - گذارد، مسئولین ج ۱۰۱۰ برای احیای حیثیت از دست رفته خود، به تکاپو افتاده و به انحاء مختلف کوشش میکنند که افکار عمومی ایران را از برداختن به مسائل و مشکلات اصلی زحمتکشان منحرف کنند.

از جمله در هفته گذشته آقای موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور، طی سخنانی در جمع گروهی از مسئولین و کارکنان واحد تأسیسات انبار نفت نازی آباد تهران چنین می - گوید:

"پهلوی با آن قدرتش نتوانست جریسان توده های را در ارتش کشف کند ولی ما آنرا کشف کردیم و الان یک توده های در ارتش نداریم."

(کیهان ۱۹ مرداد ۱۳۶۲)

ریودن گوی سبقت در سرکوب و کشتن توده های از رژیم سابق، مطمئنا یک شاه کار بزرگ برای ج ۱۰۱۰ است!! بخصوص وقتی که با همکاری فعال انتلیجنس سرویس، "سیا" و موساد و ساواکی های گمنام در خدمت جمهوری اسلامی به انجام برسد!

ولی صحبت اساسا بر سر این مسائل نیست. آقای موسوی اردبیلی، که خود بهتر از هرکس دیگری می داند، که "امروز" را که چندین ماه پیش وقت عمل خوانده بود، سپری شده و "فردائی" که به قول خودش برای عمل (انقلابی) دیر می باشد، مدتهاست فرارسیده، مجبور است برای طفره رفتن از جواب به خواست های محرومین و برآوردن وعده های که خود به آنان داده بود، خاک در چشم مردم بپاشد. در همین رابطه شخصی طی یک تماس تلفنی با روزنامه کیهان آقای موسوی اردبیلی را بار دیگر به یاد وعده های که داده بودند اخته و از جمله چنین می گوید:

"حدود ۵ ماه پیش مسئولان و دست اندر کاران مسئله مسکن، از جمله حضرت آیت الله موسوی اردبیلی، اعلام کردند که دفاتر در سطح شهر تهران تشکیل می شود تا خانه های خالی را شناسایی و به مردم اجاره دهند. ولی از آن تاریخ تا کنون کوچکترین اقدامی در زمینه اجرای این طرح صورت نگرفته. وضعیت یافتن مسکن روز بروز بدتر می شود و پیشبرد اختها سر به فلک می کشد. ترا بخدا بیائید بسد استأجرین مستضعف برسید." (کیهان ۱۹ مرداد ۶۲)

آقای موسوی اردبیلی و دیگران که بخوبی بر این امر واقفند که دیگر قادر به پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم نیستند، مجبورند به همان راهی روند که پهلوی ها رفتند و با همان شیوه ها با مردم و نیروهای مردمی برخورد کنند، که پهلوی ها کردند. آنها مجبورند که "امروز هر کس را که بگوید انقلاب برای مستضعفین کا ری نکرد، ضد انقلاب و مفید فی الارض" بنامند.

آقای موسوی اردبیلی و دیگران بهتر است به جای کوشش در انحراف افکار عمومی بمنظور سبب اعتبار از دست رفته، به نیازهای اساسی مردم پاسخ دهند و گوشه ای از وعده های را که به آنها داده بودند به یاد آورده و به اجرا در آورند.

بخشهایی از یک مصاحبه

بقیه از صفحه ۵ میشود. این انقلاب خلق ما را به میهن و دولت مستقل فلسطین راهبر خواهد شد؛ به دولتی، که خلق فلسطین در چارچوب آن آگاهی ملی اش اعتلا یافته و احساس اینرا، که بمیهن خودش تعلق دارد، داشته باشد.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامه خانم اقدس اعتمادزاده (به آذین) به آیت الله منتظری

در پی یورش به حزب توده، ایران و دستگیری و شکنجه بخشی از اعضای رهبری و هزاران تن از اعضای آن و همچنین نویسندگان و هنرمندان مشهور کشور، از جمله م. ۱۰ به آذین (محمود اعتمادزاده) مترجم و نویسنده معروف، و مضحک «اعترافات» او در «سیمای جمهوری اسلامی» چندی پیش همرس او نامه زیر را برای آیت الله منتظری فرستاد:

بنام خدا

محضر حضرت آیت الله العظمی منتظری،
امروز که قریب ۵ سال از انقلاب پر شکوه مردم میهن ما میگذرد، من بعنوان يك مسافر رنج دیده ایرانی به حکم ستمهای بیشماری که بر من رفته است، خود را ملزم به مقایسه می‌پندم. آموز می‌بینم، که چه بسا برای حضرتعالی نیز واجد تأمل و درنگ تواند بود. این مقایسه تنها مقایسه احوال شخص اینجانب در زمان ستم شاهی و جمهوری اسلامی نیست، بلکه مقایسه است عمومی بین دو نظام و شیوه‌های برخورد آند و ویا «حیثیت، شرف، جان، مال و ناموس و امنیت» افراد و جنابعالی خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. من و مادرهای دیگر در زمان نظام مغرور پهلوی بخاطر سر فرزندان و شوهران زندانیان از این زندان به آن زندان آواره میشدیم و در تلاش برای اجازه چند دقیقه ملاقات و یا پرس و جو از چگونگی پرونده و علت دستگیری عزیزانمان چه‌ها که نکشیدیم، از تحقیر و توهین و جوابهای سربالا و دروغهای رنگارنگ که مضمون همه آنها عبارت بود از به گناه آلودن مبارزان حق طلب و موجه جلوه دادن سفاکیهای ساواک و رژیم گذشته و حال آنکه همه می‌دانستیم و جهانیان نیز می‌دانستند و میدانند، که عزیزان در بند ما ویرانگران بساط ظلم و استبداد رژیم ساواکی آمریکایی بودند و شما، که هم‌رمز دیروز آنها بودید اینجا و آنجا به حقانیت آنها اشتهار کردید. اینک بنای مخوف استبداد وابسته به مدد دست و مغز همه رزمندگان راه حق و عدالت فرو ریخته است و امید سوزانی، که در دل های مشتاق همه رنج‌دیدگان و ستم کشیده‌ها شعله میکشید هنوز نیز همچنان مشتعل است. امید به اینکه بتوانیم دست در دست یکدیگر «طرحی نو در اندازیم، انسان، که در آن دیگر اثری از میراث شوم استبداد و استعمار و استثمار نباشد. مردم ما هنوز آن آگاهی اتحاد و ایثار را، که کلید این پیروزی عظیم بود، از دست نداده‌اند و بطریق اولی انقلاب را نیز، که شکوفه خون آلود آن خازن پر مخاطره بوده، از هرگزندی حراست خواهند کرد تا بالاخره میوه دهد.

شیوه‌های ساواکی را محکوم کنید!

من با توجه به مجاهدتهای آنحضرت در

این راه خود را موظف به نوشتن این سطور می‌دانم و با آنکه میدانم که جنابعالی و دیگر رهبران جمهوری اسلامی بخوبی از اجحافات و قانون شکنی‌ها آگاهی داشته در صد دفع آنها تید، معذالک از شما میخواهم تا با شهامت و قاطعیت انقلابی این شیوه برخورد های ساواکی ملابانه را محکوم نمائید.

شوهر مرا، م. ۱۰ به آذین، که بارها در رژیم منحوس گذشته با اتهامات دروغین و بیشرمانهای از قبیل جاسوس، توطئه‌گر، خرابکار و وابسته به بیگانه دستگیر و زندانی کرد مانده، با کمال شگفتی و تأسف می‌بینم، که امروز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به همان اتهامات، دستگیر و زندانی کرده‌اند، شگفت آور نیست، که همرس من به تصدیق همه مردم خیر اندیش ایران و جهان خود یکی از اسطوره‌های همین انقلاب بوده و هست و اینک با شیوه‌های پلید نامردی متهم به توطئه و خیانت بر علیه انقلابی شده است، که آنقدر عاشق آن بود، من خود از نزدیک شاهد تلاش بی‌وقفه او در راه آرمانهای مردم محروم و استقلال و آزادی آنها بودم و پس از انقلاب نیز میدیدم، که با چه وجدی به کار مبارزه در این راه ادامه میدهند.

جنابعالی خوب میدانید که رژیم‌های مبتنی بر منافع استعمارگران و سرمایه‌داران غارتگر برای بد نام کردن مبارزان راه حق و عدالت از هیچ نوع تهمت و افترا و پرونده سازی دریغ ندارند و در این زمینه‌ها استادند میدانند که چگونه دشمنان سرسخت خود را به وسایلی که شما نیز طعم آنها را در رژیم سابق چشیدید ماید. «از اعتبار بیندازند و بیالیند، همرس مرا، که در راه میهن عزیز یک دست خود را از دست داده است، جاسوس، وطن فروش و مزدور بیگانه میخوانند و تحت فشارهایی که چونگی آنها هنوز بر من معلوم نیست او را وادار به خود-کشی سیاسی و عقیدتی می‌کنند. و از زبان او که در همه عمر هرگز خلاف نطق بر علیه خود او خلاف و ناروا میگویند. من، که از نزدیک شاهد عشق و ایمان سرگرم او به انقلاب و ایران و مردم محروم بودم، جای خود دارم و لیکن مطمئنم که هرگز انسانهای پاک و صادق اعترافات اجباری او را باور نخواهند کرد. من، همانطور که به شرافت و پاک و میهن پرستی شوهر و فرزندم ایمان دارم به بی‌شرفی و خیانت و وطن فروشی دشمنان آنها که جعلی از اصحاب زور و تزویرند و به اراده «شیطان بزرگ» میرقصند، ایمان دارم. چه بلایی بر شوهر من آورد، که این چنین دلخراش در ملا عام خود را به کثیف ترین اهانت‌ها بیالاید، و بر چه سره معصوم خود چنگ می‌اندازد و اندیشه‌های والای خود را، که ناموس شخصیت او بوده و هست، این چنین میدرد؟ چرا حتی یکبار اجازه نداده‌اند تا در این مدت طولانی او را ملاقات

کنم؟

داستان بهمین ختم نمی‌شود

حضرت آقای منتظری! داستان به همین جا ختم نمیشود. فرزند کوچکم، کاوه اعتمادزاده، نیز مدت‌ها قبل از شوهرم دستگیر شده و تاکنون نه من و نه همرس نوریس یادارش از او اطلاعی نداریم. نه اجازه ملاقات میدهند و نه از اتهام و پرونده‌اش بنا چیزی میگویند و نه می‌دانیم، که چه بر سرش آمده است. فقط می‌دانیم، که او را به جرم اینکه فرزند پدرش است، دستگیر کرده‌اند و فی الواقع با این عمل نوعی گروگان‌کشی بر علیه شوهر من کرده‌اند. به ویژه از شما خواهش میکنم تا برای روشن شدن بهتر مطلب پرونده سفید او را بخواهید. من مادری هستم که به ستم‌کنی خو گرفته‌ام، مثل هزاران مادر دیگر ایرانی ولیکن همرس جوان یاردار او را که هفت ماهه حامله است، با چه زبانی تسلی دهم؟ آیا این است روش اسلامی مسئولین و رهبران مملکت با زن جوان یاردار، که در سخن بهیبت را زیر پای او میدانیم؟ او علاوه بر هزاران امید و آرزوی بی‌حقی، که در آغاز زندگی زناشویی در دل پرورده احتیاج به اولیه ترین ملاحظات دارد، که حتی در مورد حیوانات نیز واجب الاتباع است. جمهوری اسلامی ایران در ازای این اعمال برای هواداران خود و مردم جهان و تاریخ چه جوابی دارد؟

اتهام فرزند من چیست؟ طبق کدام قانون و با چه مستندی او را دستگیر کرده‌اند و بر اساس کدام مواد قانونی اجازه هیچگونه ملاقات به من و همرسش نمیدهند؟

ما همه در برابر این قانون شکنی‌ها مسئولیم در برابر خون پاک جوانانی که باید نابود می‌شد. چنین اجحافاتی جان خود را باختند مسئولیم. ما همه نیز در نزد وجدان خویش مسئولیم. ما در مقابل تاریخ روزی باید پاسخگو باشیم. من بالشخصه بداشتن چنین همرس و فرزند میهن پرست عدالتخواهی افتخار میکنم و بدینوسیله اعلام میکنم که جرم آنها در رژیم گذشته و هم در رژیم جمهوری اسلامی دفاع صادقانه از استقلال و آزادی و منافع مردم محروم و زحمتکش بوده و پس.

من از جنابعالی و دیگر رهبران صدیق و پاینده به آرمانها و میثاق انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میخواهم، که در راه آزادی بی‌قید و شرط همرس و فرزندم اقدام عاجل نمائید و با اعاده حیثیت کامل آنها، در جهت دستگیری مرتکبین این جنایات، که بی‌شک از یاران «شیطان بزرگ» رژیم منحوس گذشته‌اند، که به لباس اسلام ملیس شده‌اند، بکوشید.

با احترامات فائقه
اقدس اعتمادزاده

تخطی از اصول قانون اساسی و آیین قضاوت

شاه، خواهان پایان دادن به سیستم اختناق و ترور شدند. دستیابی به آزادی خواست همه نیروهای محرکه انقلاب بود. دهها هزار انسان جان خود را در مبارزه علیه رژیم استبدادی فدا کردند. تنظیم کنندگان قانون اساسی نمی توانستند این خواست را نادیده بگیرند.

"محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی"، "تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون" (اصل ۳)، "آزادی فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی" (اصل ۲۶)، "آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها" (اصل ۲۷)، "آزادی نشریات و مطبوعات" (اصل ۲۴)، "ممنوعیت بازرسی و نرساندن نامه ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، استراق سمع و هر گونه تجسس" (اصل ۲۵)، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی تضمین گردیده، نمره مبارزه توده های زحمتکش است.

این اصول برای بایگانی شدن تدوین نشده است؛ بلکه رهنمود عمل است و اجرای بی خدشه آنها وظیفه قوه مجریه و قضائی است. سرپیچی از تحقق این اصول بمعنای مخالفت با قانون اساسی است. وقتی مجریان قانون هم قانون شکنی پیشه می سازند و مورد بازخواست قرار نمی گیرند، چگونه می توان از مردم خواستار مراعات قانون شد؟

گناه توده ایها: دفاع از زحمتکشان

تجاوز به حقوق مسلم افراد یعنی پایمال کردن حیثیت قانون، یعنی تخطی از اصول و آئین قضاوت و دادگستری. این امر، در آخرین تحلیل، چیزی جز گسستگی بنیان اجتماع و رواج بی قیاس ظلم و بیبند نیست. اظهارات مقامات حقوقی و قضائی و مسئولین درجه اول دولتی درباره جزای مرگ برای زندانیان توده ای، آنهم قبل از پایان پانزدهم و آغاز دادرسی، قبل از محکومیت متهمین در دادگاه صالح، یکی از شواهد زنده قانون شکنی و بی اعتنائی مطلق به مقررات دادرسی است. هفت ماه بازجوئی در خفا، محروم کردن زندانیان از هرگونه ارتباط با خانواده هایشان، اجازه ندادن به آنان برای تعیین وکیل مدافع و فقدان کوچکترین ضمانت دفاع از خود، نه تنها پایمال کردن اصول قانون اساسی، بلکه در عین حال بی اعتنائی به مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ اعلامیه حقوق بشر برسمیت شناخته شده از جانب ایران نیز هست. کیفر خواستی که در این چنین شرایط و تحت شکنجه های مستمر جسمی و فشار عظیم روحی تنظیم گردد، کمترین استحکام و ارزش قضائی نمیتواند داشته باشد. زندانیان توده های عمری در خدمت کشور و ملت گذرانیده و هدفی جز مبارزه در راه استقلال و آزادی کشور و تأمین سعادت و نیک بختی توده های میلیونی زحمتکشان نداشته و ندارند. یگانگه گناه آنان نیز همین است، که از جهان بینی حزب توده، ایران نشأت می گیرد.

واقعیتی است، که محافل قضائی بارها بدان اشاره کرده اند. مثلاً، آقای جعفر کریمی، رئیس دادگاه انتظامی قضاوت در توجیه توقیف اعضای حزب توده، ایران گفت:

"... گروهی وابسته بشوق اعلامیه هاشمی منتشر می کنند و یک حرکت نیمه مخفی علیه نظام جمهوری اسلامی انجام می دهند و دادسرای انقلاب دستور توقیف مسئولان این کار و این گروه را داده است. آنها نیز بدام عدالت گرفتار و دستگیر شدند" (اطلاعات، ۱۹ اسفندماه ۶۱). منظور وی از "وابستگی بشوق همگونی جهان بینی حزب ما با دیگر احزاب برادر است. آیا باز خواهند گفت که در جمهوری اسلامی تفتیش عقاید وجود ندارد؟

در قانون اساسی اصول مشخص پیرامون آزادیهای دموکراتیک تضمین گردیده است. تصریح این اصول تصادفی نبود: میلیونها ایرانی، در جریان نبرد نابرابر با نظام خودکام

بقیه از صفحه ۲ سازند. آنها برای تحقق این خیال خسام، سالانه میلیارد ها ریال صرف تبلیغات در خارج از کشور می کنند، غافل از اینکه دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

نه در ایران و نه در دیگر کشورهای جهان کسی حاضر به پذیرش چنین تصویری از ایران نیست. در کشوری که ابتدائی ترین حقوق دگر اندیشان لگد مال می شود، در کشوری که اصول قانون اساسی و مواد اعلامیه حقوق بشر را تخطئه می کنند، نمی توان از آزادی سخن گفت. بموجب اصل ۲۳ قانون اساسی "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان بصرف داشتن عقیده های مورد تعرض و مواخذه قرار داد". شماره "انسانهایی که بصرف داشتن عقیده روانه فراموشخانه ها" شده اند به دهها هزار بالغ است. اعضای حزب توده، ایران هم برای داشتن عقیده های متمایز از پندار سران رژیم، در سیاهچالها به بند کشیده شده اند. این

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده ای!

● فدراسیون متحده کارگری ایتالیا در سیسیل، طی مخابره تلگرافی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در رم، نگرانی عمیق خود را در مورد سر نوشت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول و سایر رهبران و اعضای حزب توده، ایران، ابراز داشته و خواستار آزادی بلادرنگ آنان گردیده است.

● شهردار پاری، طی مخابره تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در رم، نگرانی خویش و کلیه شهروندان پاری را در مورد پیگرد رهبران و اعضای حزب توده، ایران اعلام و نیز همبستگی خود و همبستگی شهروندان را با مبارزان زندانی اعلام داشته است.

● سازمان دمکراسی پرولتاریا، در این شهر، مراتب انزجارش در مورد رانسیست به اعمال روشهای وحشیانه در مورد توده ایهای در بند، ضمن ارسال نامه هایی به سفارت ج ۱۰۱۰ ابراز داشته و مینویسد:

"این رفتار با توده ایها و بویژه با رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده، ایران، حمله ای است شدید به زحمتکشان تمام کشورها و بمنظور نابود کردن کلیه عناصر خلقی و انقلابی. سیاست فوق، چهره ج ۱۰۱۰ را در انظار مردم کشور ما تیره می سازد."

● مجتمع فرهنگی - ورزشی و تحقیقی بسیاری، طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ نسبت به اعمال روشهای غیر انسانی در مورد فعالین حزب توده، ایران، شدیداً اعتراض کرده است.

بقیه از صفحه ۱۱ تلگرافی به وزیر امور خارجه ایتالیا، در ماه ژوئن (خرداد ماه)، ضمن اعتراض شدید به دستگیری ها و شکنجه وحشیانه رهبران و اعضای حزب توده، ایران، از دولت ایتالیا خواسته است، جهت جلوگیری از این اعمال، اقدام نماید.

این فدراسیون، همچنین خواستار برگزاری دادگاههای علنی با نظارت وکلای بین المللی برای مبارزین زندانی و عزیمت هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بررسی وضع آنان گردیده و در پایان اضافه کرده است: شکنجه و اعدام این انقلابیون، خاطره وحشیگری های نازیها و فاشیستها را در اذهان کارگران ایتالیا زنده می کند و لزوم دفاع از حیثیت انسانی را ضرور می سازد.

● ۴۰ تن از متخصصین و اساتید مرفقی دانشگاه رم که اکثر آنان از شخصیتهای برجسته علمی - ادبی و فرهنگی ایتالیا می باشند، طی صدور بیانیه مشترکی، به دستگیری رفقای رهبری حزب توده، ایران، از جمله رفقا، کیانوری، احسان ظیری، مریم فیروز و شکنجه آنان، شدیداً اعتراض نموده و از دولت ایران خواستار کسب اجازه، روادید برای هیأتی مرکب از پزشکان و وکلای متخصص جهت عزیمت به ایران و دیدار از زندانیان گردیده اند. از جمله دیگر خواست های آنان، برگزاری محاکمات علنی و قانونی برای مبارزان توده ای و رعایت اصول مرفقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد آزادی های سیاسی، می باشد.



موضع هندوستان در مورد حوادث سریلانکا

پیرامون حوادث هفته‌های اخیر سری لانکا که علاوه بر خسارات مالی فراوان صدها کشته و زخمی بجای گذاشت، مطبوعات هندوستان مطالب زیادی منتشر کرده‌اند. در مجلس هندوستان گفته شده که این برخورد میان گروههای مختلف نژادی - مذهبی میتواند منجر به یک جنگ داخلی واقعی گردد و کانون تشنج خطرناکی را در مرزهای جنوبی هندوستان بوجود آورد که بدنیال آن پای دولتهای امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا را آشکارا وارد حوادث کند.

هندوستان بهنگام این حوادث بردباری قابل تحسینی از خود نشان داد و نسبتاً رویندادها بسیار هشیارانه برخورد کرد. وقتی هزاران نفر سریلانکائی هندی الاصل در این حوادث آسیب دیدند دولت هندوستان بجای اینکه مانند کشورهای امپریالیستی متوسل به تهدید و فشار و اعزام کشتی‌های جنگی شود، با هواپیمای کشتی مقادیر زیادی دارو و مواد - غذایی برای آسیب دیدگان حوادث فرستاد. ایندیرا گاندی نخست وزیر هند گفت که کشور وی قصد ندارد در امور داخلی همسایه جنوبی خود مداخله کند و خواهان حل مسالمت جویانه درگیریهاست.

هنگام مباحثات پارلمانی، نمایندگان احزاب مختلف سیاست دولت را تأیید کردند. این نمایندگان ضمن یادآور شدن که خطر بین‌المللی شدن درگیریهای داخلی سریلانکا بسیار جدی است، برخی از نمایندگان این حوادث را معلول خرابکاری محافل امپریالیستی ارزیابی کردند.

چهارمین روز اعتراض در شیلی

حدودیک ماه به دهمین سالگشت کودتای خائفانه امپریالیستی در شیلی و قتل سالوادر آئینده رئیس جمهور کشور مانده، روز یازدهم اوت، چهارمین روز اعتراض عمومی نسبت به حکومت دیکتاتوری فاشیستی با خواست، نان، عدالت، کار، آزادی و استحقاق دیکتاتور برگزار شد. در شهرهای بزرگ نظیر سانتیاگو، کنسپسیون، والپارایو و شهرهای کوچک و روستاها، از مرز پروتا جنوبی ترین نقطه مردم با اعتصابها، تعطیل مدارس و دانشگاهها، قطع ترافیک، راه پیمائیها و غیره، قدرت خوش را برای اعاده دموکراسی در کشورورهای از زیر یوغ دیکتاتوری فاشیستی وابسته به آمریکا پنهان گزیدند. دیکتاتوری برای مقابله با اعتراضات مردم، نیروهای پلیس و ارتش را بطور کامل بسیج کرده بود و با خشونت به صفوف مردم حمله برد.

۱۷ تن را کشتن را زخمی کرد و تنها در سانتیاگو ۵۰۰ نفر را بازداشت نمود. اما با وجود خشونت و تهدیدهای بعدی، تصمیم مردم شیلی برای پایان دادن به اینهمه فقر و فلاکتی که حاصل حکومت دست نشاندهگان آمریکاست روز بروز مستحکم تر میشود. چهارمین روز اعتراض، رزمی ترین روز بود. مردم شیلی تصمیم قاطع دارند که " جشن " دهمین سال حکومت را، برای دیکتاتور شیلی تبدیل به عزا نمایند.

فلورا کیس قرارداد نظامی یونان - آمریکا را محکوم کرد

هاریلانوس فلورا کیس، دبیر کل کمیته مرکزی یونان، موافقت نامه منقده اخیر میان دولت یونان و آمریکا را مورد نکوهش شدید قرار داد. وی در مصاحبه‌های با روزنامه "ایتالیانسی"، "پائزه سرا"، اظهار داشت: " ما یونانها از تجربه تلخ خود آموخته‌ایم که عضویت یونان در ناتو به چه معنی است. ناتو نقش مهمی در تحمیل حاکمیت رژیم سرهنگان فاشیست در سال ۱۹۶۷ ایفا کرد. ناتو مسئول ایجاد ترازوی قبرس در سال ۱۹۷۴ بوده و امروز نیز ناتو و واشنگتن باعث تشنج روابط میان ترکیه و یونان می‌گردند، تا هر دو کشور را تحت کنترل خود نگاه دارند." وی اضافه کرد که:

" در حال حاضر، تمام نیروهای (شخصیت‌های) سیاسی در یونان حتی، محافظهکاران اذعان دارند که هیچگونه خطری از جانب کشور های سوسیالیستی، که ما مناسبات خوبی با آنان داریم، یونان را تهدید نمی‌کند. اگر این درست است پس ناتو از ما در مقابل چه کسی حفاظت می‌کند؟ بدین علت ما میگوئیم که تنها آمریکائیه از گسترش ناتو سود می‌برند."

هفتاد و پنجمین سال اف-بی-آی

چندی پیش در مراسمی که بمناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تشکیل سازمان پلیسی اف-بی-آی، در واشنگتن تشکیل گردید، ریگان رئیس جمهور آمریکا شخصاً حضور یافت و از "خدمات" کارکنان این سازمان که فعالیتش مترادف با قانون شکنی و نقض حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی در آمریکاست تجلیل کرد. "سخنران گرم" ریگان، نماینده "هارترین محافظ سرمایه - داری آمریکا، نسبت به این سازمان پلیسی قابل فهم است. اف-بی-آی از نخستین روزهای گذاری خود بمشابه افزاری در دست نظام سرمایه داری برای سرکوب هر گونه اعتراض توده‌های مردم عمل می‌کرده است. سیاست این سازمان، جاسوسی هر خانه و انواع تضحیقات علیه دیگرانندیشان است. مأموران همین سازمان بودند که کارزار کثیف تبلیغاتی علیه مارتین لوتر کینگ رهبر برجسته سیاه پوستان آمریکائی را سازمان داده بودند. همین مأموران، فعالین جنبش دفاع از سرخ پوستان آمریکا را سر به نیست می‌کنند. در سازمانهای دموکراتیک رخنه کرده و

در دفاتر آنها دستگاہهای استراق سمع نصب می‌نمایند. تنها در دفتر اف-بی-آی در واشنگتن، که جشن هفتاد و پنجمین سالگرد در آنجا برگزار شد، ۳۶ میلیون آمریکائی پرونده دارند و ۷۸ میلیون کاغذ انگشت نگاری با اثر انگشت تقریباً تمام جمعیت آمریکا بجز کودکان نگهداری میشود. در عین حال جالب است که اگر اف-بی-آی اینقدر در علیه سازمانهای دموکراتیک فعال است، سازمانهای گانگستری تقریباً روابط مسالمت آمیز دارد. طوریکه دهها سندیکائی گانگستری در ایالات متحده سرگرم فعالیت است که سالانه ۲۰ هزار نفر قربانی جنایات آنها میشوند.

در پاکستان ناخشنودی از دیکتاتوری نظامی تشدید میشود

در اسلام آباد پایتخت پاکستان، نشست شورای مشورتی فدرال، عالیترین ارگان قانونگذاری در کشور برگزار شد. اکثریت اعضای آن، که در جلسه سخن گفتند بر لزوم بازگشت به قانون اساسی سال ۱۹۷۳ تأکید کردند. این امر نشان می‌دهد که ناخشنودی از فرمانروائی رژیم نظامی پیوسته ابعاد گسترده تری بخود می‌گیرد. نکته کم اهمیت نیست که حتی اشخاص مورد اعتماد ضیا الحق، که توسط خود او به نمایندگی شورای مشورتی فدرال برگزیده شده‌اند، علیه سیاست دیکتاتور پاکستان سخن می‌گویند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و هواداران حزب توده ایران در نانس (فرانسه) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیقی از سوئد ۲۰۰ کرون
آرش ۱۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No.55
Friday, 19 Aug. 83
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

| | | | |
|--------------|-------------|-----|------|
| Price: | England | 30 | P. |
| West-Germany | Belgium | 22 | Fr. |
| | Italy | 600 | L. |
| France | Fr. U.S.A. | 40 | Cts. |
| Austria | Sch. Sweden | 3 | Skr. |